



## سرمقاله

## نوش دارو پس از حادثه

دکتر مسعود آهوان

روان‌درمان‌گر



اکثر کسانی که گرایش به خودکشی دارند، در اصل نمی‌خواهند بمیرند؛ آن‌ها صرفاً می‌خواهند به درد و رنجشان (واقعی یا خیالی) پایان دهند و به عبارتی، نیازمند کمک هستند. خودکشی مرگی است که آگاهانه و از روی عمد برای نابودسازی خود صورت می‌گیرد که به اصطلاح خودکشی موفق نامیده می‌شود. در صورتی که عمل اقدام به خودکشی انجام گیرد، ولی منجر به مرگ نشود، آن را اقدام به خودکشی یا خودکشی ناموفق می‌نامند و معمولاً کسانی را توصیف می‌کند که گاهی زمینه را طوری فراهم می‌سازند که نجات پیدا کنند. هرچند درپاره‌ای از موارد ممکن است فریادرسی وجود نداشته باشد. خودکشی در تمام گروه‌های سنی وجود دارد؛ اما فراوانی آن بین جوانان و به‌ویژه سربازان، به دلیل شرایط خاص آنان بیشتر است. خودکشی در واقع به صورت یک پیوستار از فکر کردن تا اقدام به آن است. در منابع مختلف، متداول‌ترین عوامل خطرناک‌یز برای خودکشی عبارتند از اختلالات روانی و اقدام به خودکشی قبلی. اختلال‌های افسردگی ۸۰٪ از ۹۵٪ اختلال‌های روانی قابل تشخیص در مرتکب شوندگان یا اقدام کنندگان خودکشی را شامل می‌شوند. خودکشی، تعاریف مختلفی دارد؛ در واقع، زمانی از خودکشی صحبت می‌شود که فرد احساس می‌کند برای زیستن خود هدف و معنایی منطقی نمی‌یابد، از چیزی لذت نمی‌برد و خود را در دنیایی اندوهگین و مملو از غم تصور می‌کند که ارزش ثانیه‌ای بودن در آن را هم ندارد. عوامل مختلف و نظریه‌های مختلفی به شکل‌گیری خودکشی پرداخته‌اند. آسیب روانی یکی از شایع‌ترین عوامل خطر برای خودکشی است. شایع‌ترین اختلال، افسردگی است. افکار و اقدامات خودکشی قبلی، بهترین پیش‌بین‌های اقدامات خودکشی آینده هستند. اختلال دو قطبی، مصرف الکل و مواد مخدر، بدرفتاری در دوره کودکی نیز با خطر بیشتر خودکشی ارتباط دارد.

افرادی که به‌تازگی دست به خودکشی زده‌اند یا در معرض خطر حاد زیاد برای خودکشی قرار دارند، بستری خواهند شد. گرچه بستری کردن برای محافظت از جان آن‌ها ضروری است، معمولاً برای افراد، خانواده او و متخصص پالینی استرس زاست. هدف از بستری کردن، تأمین هرگونه درمان پزشکی لازم به خاطر اقدام خودکشی فرد، ایمن نگه داشتن او در کوتاه مدت، و برنامه‌ریزی برای ایمنی است. به طوری که فرد بتواند به خانه برگردد. برنامه‌های ایمنی توافق‌های کلامی و نوشتاری بین فرد، مراقبت کنندگان، و درمانگران است که برای ایمن نگه داشتن وی پس از ترخیص طراحی شده‌اند. دوره بلافاصله پس از بستری، خیلی خطرناک است. تقریباً یک چهارم افرادی که دست به خودکشی می‌زنند، دوباره ظرف یک سال اقدام به آن می‌کنند. خطرناک‌ترین دوره، سه ماه اول پس از ترخیص است. یک روش ساده برای محافظت از آن‌ها که در طول این دوره بحرانی هستند یادآوری خدمات حمایتی برای آن‌هاست. توضیح این موضوع که چرا برخی افراد تصمیم به خودکشی می‌گیرند در حالی که برخی دیگر در شرایط یکسان یا حتی بدتر از آن چنین کاری نمی‌کنند مشکل است. با این حال بیشتر خودکشی‌ها قابل پیشگیری هستند.

وقتی کارکنان مراقبت‌های بهداشتی به رفتارهای خودکشی مشکوک می‌شوند، باید موارد زیر بررسی شوند: افکار و احساسات فعلی فرد درباره مرگ یا خودکشی، نقشه فعلی فرد برای خودکشی، ساختار حمایتی شخص (خانواده و دوستان).

ادامه در صفحه ۴

## نگاه‌ویژه:

# تیمه شب

## اتفاق افتاد



**هیئت تحریریه:** سرویس خبرنامه: سجاد کاشانی، سرویس اقتصادی و اجتماعی: سیده زهرا فاطمی یزدی، فرناز علیزاده، سرویس فرهنگی و هنری: مریم رحیمی، سرویس ادبی: الناز نوری، سرویس دارالفنون: الهام حق پرست، سرویس عکس: رسول هاشم آبادی، سرویس انگلیسی: شادی اسعدی، سرویس صوتی: المیرا طارقی.

با تشکر از: دکتر مسعود آهوان، دکتر نجم‌الدین گیلانی.

صفحه آرا و طراح جلد: امیررضا زنگ‌آمیز  
وبسایت: www.sdjdm.ir ایمیل: vaghayeh.mag@gmail.com

## تقابل با بحران‌ها در آستانه قرن جدید

سجاد کاشانی

کارشناسی علوم سیاسی ۹۸

آن روزها را به خوبی یاد دارم، هشت سال پیش، ملتی در انتظار برکسی‌نشانیدن منتخشان، شبانه‌روز را به هر وسیله‌ای که می‌توانستند در استقبال از تدبیر و امید سر می‌کردند.

فرهیختگان، قلم خود را وقف به تصویرکشیدن عزت و اقتداری کرده بودند که رئیس دولت یازدهم به ارمان خواهد آورد و اندیشمندان از هر رسانه‌ای در جهت نشان‌دادن طرح آن بهشتی استفاده می‌کردند که به قولی در پشت درب‌های بسته دیپلماسی، مارا انتظار می‌کشید. روزشمار به کار افتاد و تابستان داغ تدبیر و امید آغاز شد، به گونه‌ای یک دست، که با اطمینان تمام برای آینده در همان بدو ورود، چشم اندازه‌های طلایی و بزرگی را می‌نوشتند که آینده ایران را در جایگاه هژمونیک و آرمانی به صورت قدرتی که سخن‌ها برای گفتن دارد جلوه می‌داد.

اکنون آن کشتی در روزگاری پهلو گرفته است که به قول اسماعیل اصفهانی، شاعر فقید:

دی بر سر هر مرده دو صد شیون بود / امروز یکی نیست که برصد گیرد.  
تنها دعای شهروندان خاموشی بر سر موعد مقرر است که شرکت برق ارائه می‌کند و از مرکز تا جنوبش مبتلا به تشنگی است. به نظر نگارنده، امروز ایران در حالی به موعد مقرر چشم‌اندازهای خود خواهد رسید، که نسبت به کشورهای هم‌سطح، هم‌سایه و هم‌رده، چند گام نیز عقب‌رفته است.

بگذارید با شما از کلیدواژه بزنگاه یا گردنه مهم تاریخی بگویم، انسان‌ها در هر کجای زندگی خود، فرصت‌هایی به دست خواهند آورد تا خود را چندگام از آن‌چه حیات روزمره‌شان مجاب‌شان می‌کند پیش‌تر ببرند.  
در مورد اهالی سیاست نیز که با بحث وسیع‌تری رویه‌رو هستند این فرصت‌ها، همان بزنگاه‌هایی است که یک سیاست‌مدار را قدرتمند یا ضعیف جلوه می‌دهد.

به‌عنوان مثال، این بزنگاه سیاسی در سال ۱۹۹۹ برای کشور روسیه به وقوع پیوست، هنگامی که روسیه دچار بحران اقتصادی و در پی آن دیگر بحران‌ها بود، ولادیمیر پوتین جوان، به‌عنوان ناجی روسیه ظاهر گردید و با کشورش کاری کرد، که مردم آن پس از سال‌ها نمی‌توانند روسیه فاقد پوتین را متصور شوند، این بزنگاه تاریخی، از پوتین، قهرمانی ملی و محبوب ساخت که اکنون او در صدر جدول محبوب‌ترین و قدرتمندترین سیاستمداران جهان است؛ چراکه صاحب ابزاری هم‌چون افکار عمومی و اعتماد ملی است.

امروز، ایران با توجه به وقایع رخ داده در بطن جامعه‌اش، در چنین بزنگاه تاریخی است، وجود تفکری مصلحت‌اندیش که به حل مشکلات و چالش‌ها پردازد، اما اگر چنین نشود، احوال ناخوشایندی متوجه کشورمان خواهد بود. چرا که این گردنه حیاتی تاریخی که ایران با آن مواجه است، از مخاطرات و بحران‌های زیست‌محیطی هم‌چون بحران خشک‌سالی، خشک‌شدن منابع آبی، کنترل‌ناپذیری کووید-۱۹، تا بحران‌های اقتصادی سیاسی هم‌چون بازار تحریم‌های گسترده علیه ایران را شامل می‌شود.

رئیس دولت سیزدهم، با سیاست‌ورزی درست می‌تواند رویه مثبت و نتیجه‌بخشی نسبت به وضعیت کنونی داشته باشد، تا با حل مشکلات و مسائل اقتصادی، اعتماد عمومی را جلب کند و این سرمایه اجتماعی را حفظ نماید و یا با پی‌گیری سیاست‌های غلط می‌تواند صاحب کشوری با بحران‌هایی شدیدتر از جمله مسائل بنیادین شود.



## لزوم بازنگری در اصلاحات

که در شرایط فعلی می‌شود انجام داد این است که مرزبندی‌های درون جبهه‌ای اصلاح‌طلبان آشکار شود، اکنون آقای موسوی لاری استعفا کردند، از داخل حزب کارگزاران صداهای مختلفی بلند می‌شود و این هم اشکالی ندارد چرا که مواضع لایه‌های مختلف درون این طیف وضوح بیشتری پیدا می‌کند.

آن‌طور که شرایط درونی جریان اصلاحات مشخص است حداقل تغییر قابل پیش‌بینی برای این جناح سیاسی بازنگری اساسی در ساختارهای داخلی به‌ویژه در شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان است چرا که این مسئله خواست و نظر بسیاری از فعالین اصلاح‌طلب است و مشخص است که جریان اصلاحات بدون ایجاد چنین تغییراتی به بن‌بستی درونی خواهد رسید.

عناصر گفتمان اصلاح‌طلبی مخدوش شده به حدی که جامعه تکلیفش را نمی‌داند که صدای اصلاح‌طلبی کدام صداست؟ صداهای مختلفی به نام اصلاح‌طلبی پژواک پیدا کردند و مشخص نیست کدام یک منطبق بر گفتمان اصلاح‌طلبی هستند. اثر این هرج و مرج در انتخابات مجلس یازدهم خود را نشان داد.

در کنار این مسائل باید به طور کارشناسانه و آماری به عمل‌کرد مجلس دهم که بسیاری از کاندیداهای آن از طریق لیست امید مورد حمایت جریان اصلاحات بودند، نگاهی بی‌اندازیم و عمل‌کرد این مجلس و وکلای آن را زیر ذره‌بین ببریم؛ آیا این مجلس و به طور خاص اصلاح‌طلبان توانسته‌اند پاسخ اعتماد رأی‌دهندگان را بدهند یا خیر؟

در اوایل سال ۹۹ به‌ویژه بعد از تعطیل شدن شورای عالی سیاست‌گذاری بختی مطرح و به عنوان دستور کار جبهه اصلاحات قرار گرفت و از شخصیت‌های اصلاح‌طلب و صاحب‌نظران دعوت شد و در جلسات مختلفی نقطه نظرات مختلف را در ارتباط با تهیه مانیفستی برای اصلاح‌طلبان به‌کار گرفتند ولی آن هم به نتیجه‌ای نرسید و نهایتاً به تشکیل جبهه اصلاحات منجر شد اما خروجی رضایت‌بخش نبود.

اصلاح‌طلب حقیقی در نهاد اجماع‌ساز، از اواسط پاییز سال گذشته برای رسیدن به یک تصمیم و راهبرد در انتخابات مهم ریاست جمهوری سیزدهم کار خود را آغاز کرد. این نهاد هم در حوزه اصول و هم راه‌بردها شرایط دشواری در پیش داشت؛ مجموع دیدگاه‌ها و آرای اصلاح‌طلبان در این شورا بر این تصمیم قرار گرفت که با رأی‌گیری، ۱۴ چهره اصلاح‌طلب را که مایل به حضور در رقابت‌های انتخاباتی بودند؛ انتخاب و برنامه‌ها آن‌ها را دریافت کنند. از این چهره‌ها که «محمدجواد ظریف» و «اسحاق جهانگیری» نخستین آن‌ها در فهرست رأی بودند؛ ۹ نفر در انتخابات ثبت نام کرد.

اصلاح‌طلبان معتقد بودند در بدبینانه‌ترین شرایط رد صلاحیت‌ها هم یکی از این ۹ گزینه باید صلاحیت خواهد شد و به همین دلیل در حال تدارک ستادهای آنان بودند و بر سر حضور و مشارکت فعال در انتخابات اجماع کلی در نهاد اجماع‌ساز وجود داشت. این اجماع اما تنها تا ظهر چهارم خرداد ممکن بود و هم‌زمان با رد صلاحیت هر ۹ گزینه اصلاحات، اجماع مشارکت جای خود را به تردیدها و مخالفت‌ها با مشارکت فعال و حمایت از نامزدی خاص از میان گزینه‌های معرفی شده شورای نگهبان داد.

نهاد اجماع‌ساز در بیانیه‌ای اعلام کرد که به دلیل ردصلاحیت؛ نامزدی در انتخابات نخواهد داشت؛ پس از مناظره‌ها، فشار به این نهاد برای حمایت از یکی از نامزدها افزایش یافت، برخی از احزاب و شخصیت‌ها راه خود را از دیگران جدا کرده و از نامزدی خاص حمایت کردند که در نهایت با شکست وی، انتخابات برای اصلاحات تمام شد اما با توجه به اعتراضات و انتقادات پیدا و پنهان این روزها، میان احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب به نظر می‌رسد؛ انشقاق به وجود آمده و دست‌کم در آینده‌ای نزدیک هم ادامه خواهد یافت.

طبیعی است که یک جریان سیاسی درون خود دچار اختلافاتی شود و هم‌چنین طبیعی است که این اختلافات را در نقطه‌ای به سرانجام برساند، حداقل کاری

میثم درستی  
کارشناسی ارشد حقوق عمومی ۹۸



در شرایطی که تنها سرمایه اصلاح‌طلبان افکار عمومی است و مردم از موثر بودن جایگاهی مانند مجلس قطع امید کرده‌اند، اصلاح‌طلبان باید با کدام سرمایه در انتخابات شرکت می‌کردند؟ اصلاح‌طلبان ابتدا باید این حوزه را اصلاح کنند که دوباره امید به بدنه اجتماعی حامی این جریان و توده مردم بازگردد. در همین راستا اصلاح‌طلبان در انتخابات گذشته باید می‌توانستند از رد صلاحیت‌های گسترده پیش‌گیری کنند که در این راه نیز توفیقی کسب نکردند.

به نظر نگارنده اندیشه اصلاح‌طلبی نمرده است. کنش‌گرانی که در حوزه جریان اصلاحات مطرح هستند باید با بازنگری صادقانه و بدون ملاحظه، عمل‌کرد و مسائل را ببینند. مشکلات بارها و بارها در مصاحبه‌های مختلف مطرح شده، به‌طور مشخص هم بعد از سال ۹۶ طی نامه رسمی خطاب به احزاب اصلاح‌طلب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب، انتقادات و سرمنشأ مشکلات ذکر شده است.

اصلاح‌طلبان یک سال و چهارماه پس از شکست در انتخابات مجلس یازدهم، تجربه شکست در انتخابات ریاست جمهوری را هم در آخرین روزهای خردادماه در کارنامه سیاسی خود ثبت کردند، با این همه اما به نظر می‌رسد نوع شکست دوم و تبعات آن بسی فراتر از شکست نخست باشد. استعفای رئیس و نایب رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان؛ آغاز مسیر انحلال این نهاد تصمیم‌گیر اصلاحات و نخستین واکنش آن‌ها به شکست در انتخابات بود.

شعسا با هجوم انتقادات از رئیس و نحوه تصمیم‌گیری، منحل شد و این بار چتر وحدت را نهاد اجماع‌ساز یا جبهه اصلاحات ایران برداشت. دبیران کل (یا نمایندگان) ۳۱ حزب اصلاح‌طلب به عنوان اعضای حقوقی و ۱۵ شخصیت

## دهکده کوچک جهانی و تکنولوژی اطلاعات

می‌دهد.

افکار عمومی نیز تا حد زیادی متأثر از همین ارتباطات است. با توسل به این فناوری‌ها می‌توان هدایت افکار عمومی را در دست گرفت و آن‌ها را در موضوعاتی با خود همراه کرد. اما همان‌طور که در بالاتر ذکر شد امروزه به دلیل سطح بالای آگاهی‌های مردم، دسترسی آن‌ها به نقاط مختلف جهان و توانایی مقایسه حکومت‌ها این همراهی کمی دشوارتر شده است و هر شهروند از این آزادی برخوردار است که انتخاب و نظر خود را داشته باشد و بدون هیچ گونه واهمه‌ای آن را بیان کند.

همین‌طور که هرروزه مشاهده می‌کنیم تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در تمام ابعاد جامعه تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. سیاست نیز از جمله این موارد است که به واسطه تکنولوژی اطلاعات و پیشرفت‌های آن دچار تحولات بسیاری در همه زمینه‌ها شده است.

تکنولوژی اطلاعات بر چگونگی فکر کردن و موضع‌گیری ما نسبت به مسائل مختلف اثر می‌گذارد. بنابراین حضور و مشارکت در مسائل سیاسی و اجتماعی، موضع‌گیری‌ها، افکار، عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی همه و همه تحت تأثیر رسانه‌هایی است که در زندگی استفاده می‌کنیم.

شویم و هم‌چنین تجربه‌های جدیدی کسب کنیم. در اثر گسترش تکنولوژی و فناوری‌های گوناگون، افراد آگاهی‌های بیشتر تری کسب می‌کنند و از وقایع سیاسی و اجتماعی دنیا آگاه می‌شوند و در نتیجه قدرت مقایسه دولت‌ها و تحلیل آن‌ها برای‌شان مهیا می‌شود.

در چنین شرایطی قدرت‌طلبی و زورگویی دولت‌ها تا حد زیادی کاهش پیدا می‌کند و آرا و افکار عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد. دولت‌ها دیگر نمی‌توانند تصمیمات را پنهانی و دور از چشم مردم بگیرند. امروزه گرفتن تصمیمات پشت درهای بسته و آگاهی ندادن به مردم جامعه امکان‌پذیر نیست و باید تصمیمات با آگاهی و شفاف‌سازی همراه باشد. شهروندان کشورهای جهان با افزایش آگاهی و آشنا شدن با زندگی سیاسی مردم کشورهای دیگر خواستار حقوق و آزادی می‌شوند و تمایل به دموکراسی‌خواهی را در جامعه را افزایش می‌دهند. این عوامل حیات حکومت‌های خودکامه و مستبد را با تهدید روبه‌رو می‌کند.

هم‌چنین تکنولوژی اطلاعات و پیشرفت‌هایی که در زمینه آن شده است به دولت‌ها در مورد حفظ اطلاعات‌شان و امور دفاعی کشورشان کمک‌های مفیدی می‌کند. استفاده از فناوری‌های نوین توانمندی‌های نظامی کشور را افزایش

فائزه قنبری  
کارشناسی علوم سیاسی ۹۹



از هنگام ورود تکنولوژی اطلاعات به عصره جهانی، زندگی بشر تحت‌تأثیر این نیروی قدرتمند دچار تحولات بسیاری شد. این تحولات در همه ابعاد زندگی انسان ظهور و بروز یافت. حتی زندگی روزمره انسان نیز با ورود تکنولوژی متحول شد. سیاست نیز از این تحولات مصون نماند و تکنولوژی اطلاعات تأثیرات بسیاری بر آن گذاشت. این تأثیرات در همه ابعاد سیاست اعم از افکار عمومی، انتخابات، دموکراسی، امور دفاعی، حفظ اطلاعات، جامعه مدنی، آزادی‌های شهروندان، تسامح و تساهل میان شهروندان و دیپلماسی آشکار شد.

در ادامه به صورت جزئی‌تر این تأثیرات را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تکنولوژی اطلاعات موجب شده است که جهان با تمام وسعت خود هم‌چون دهکده‌ای کوچک به نظر برسد که در آن تمام افراد در هر لحظه به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این دسترسی راحت باعث می‌شود که از اتفاقات و رویدادهایی که در سرتاسر جهان رخ می‌دهد آگاه



# اجتماعی


**مژده مقیسه**

کارشناسی حقوق ۹۸

مهاجرین غیرقانونی مردمانی هستند که بی‌سرزمین‌تراز باد، در جست‌وجوی یک زیست مطمئن‌تر به راه می‌افتند و بی‌اعتنا به سیم‌های خاردار، به دنبال پل‌هایی می‌گردند که آن‌ها را از مرحلهٔ بی‌چارگی جدا کرده و به مرحلهٔ سعادت و نیک‌بختی برسانند؛ ولی پل‌هایی که بر پایهٔ قوانین بنا نشده باشند لغزان و پرمخاطره‌اند و آدم‌های زیادی را بی آن که گناهی کرده باشند، تنها با یک لرزش خفیف به دره‌ها می‌افکنند. این پل‌ها سخت و صعب‌العبور اند و هیچ‌کس نمی‌داند با رسیدن به آن‌سو، چه اقبالی در انتظارش نشسته است. اما امید، که در تاریک‌ترین لحظات نیز شعلهٔ کوچکی از روشنایی نشان‌مان می‌دهد، برخی از ما را وادار می‌کند که چنین تصمیم بی‌اعتباری را بگیریم و بودن یا نبودن‌مان را به شانس و اقبال گره بزنیم تا شاید این شعلهٔ کوچک بتواند در آن سوی پل، تصویر واضح‌تری از روشنایی را پیش چشمان‌مان بیاورد.

دهشتناک‌بودن تصمیم عبور از پل–بی آن که بدانی آن طرفش چه دنیایی منتظرت ایستاده– نه تنها گریبان خود فرد مهاجر را می‌گیرد، بلکه برای سرزمینی که آن را ترک کرده و هم برای کشوری که قرار است در آن اقامت داشته باشد، عرصه را تنگ می‌کند. مهاجرین غیرقانونی تحت حمایت‌های مالی و معنوی کمیساریای عالی پناهندگان و مجامع بین‌المللی دیگر قرار ندرزند و با رمالی آن‌ها بر دوش دولت است و هر ساله باید بودجهٔ هنگفتی به جمع‌آوری و برگرداندن این افراد به کشورهای‌شان تخصیص داده شود. از طرفی وضعیت غیرقانونی ورود آن‌ها علاوه بر هزینه‌های مالی، تبعات منفی حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در امنیت مرزهای کشور به دنبال دارد.

به صورت کلی، مهاجرت‌های غیرقانونی بیش‌تر از طریق دریا صورت می‌گیرد، زیرا مطمئن‌ترین راه برای رسیدن به

### بهبیستی معتادان زیر ۱۸ سال را درمان نمی‌کند

سرپرست مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد که قرار است در اولین جلسه ستاد مبارزه با مواد مخدر و جلسه ستادی ماده ۱۶، موضوع جمع‌آوری معتادان زیر ۱۸ سال و افراد بالای ۶۵ سال مطرح شود و به نتیجه برسند.

فاطمه رضوان مدنی در گفت‌وگو با ایسنا، درخصوص جمع‌آوری کودکان و نوجوانان معتاد اظهار کرد: سازمان بهزیستی برنامه‌ای برای جمع‌آوری کودکان زیر ۱۸ سال ندارد، اما فرار است در اولین جلسه ستاد مبارزه با مواد مخدر و جلسه ستادی ماده ۱۶، موضوع جمع‌آوری معتادان زیر ۱۸ سال و افراد بالای ۶۵ سال مطرح شود و به نتیجه برسند.

وی افزود: سازمان بهزیستی معتقد است که نمی‌توان به معتاد زیر ۱۸ سال عنوان متجاهر را اطلاق کرد، زیرا این افراد هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند که متجاهر باشند؛ بنابراین متولی درمان این افراد به لحاظ قانونی و علمی وزارت بهداشت است.

**دو هفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم/ شمارهٔ هفتاد و هشت/ نیمهٔ دوم تیر ۱۴۰۰**

## مغروقین آسمان‌های آبی‌تر

(قسمت دوم)

مطابق آمار، سالانه بین ششصدهزار تا هشتصدهزار انسان توسط قاچاقچیان از مرزها عبور داده شده و به فروش می‌رسند که ۸۰ درصد از این افراد را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. مهاجرین غیرقانونی عموماً به کارهای سیاه واداشته شده و نیروی کار آن‌ها استتعار می‌شود. در اثنای مهاجرت، خطرات بسیاری جان مهاجران را تهدید می‌کند؛ آن‌ها در اثر مسافت طولانی سفر و وسایل نامناسب حمل و نقل و هم‌چنین اقامتگاه‌های غیربهداشتی در معرض بیماری‌ها قرار می‌گیرند و این شرایط نامساعد به طور معمول پس از مستقر شدن آن‌ها در کشور مقصد نیز ادامه دارد.

حاکمیت و امنیت ملی کشورها اصولاً از ورود مهاجرین غیر قانونی به خاک خود ممانعت به عمل می‌آورند و همین مقابله که عموماً از طریق نیروهای نظامی و مرزبانان اعمال



## آیا متهم ردیف اول قانون است ؟

**تحلیلی اجمالی بر فرزندکشی با تکیه بر پروندهٔ رومینا اشرفی و بابک خرم‌دین**

متهم ردیف اول، محسوب می‌شود.اما چرا اعزهٔ حقوقی و غیر حقوقی قانون را علت اصلی فرزندکشی می‌دانند؟

با این مقدمه به سؤال پاسخ می‌دهیم.در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، واکنش اصلی و اولیه قصاص است.یعنی وقتی به دیگری جنایتی وارد می‌شود، در جنایات مادون نفس، مجنی علیه و در قتل ، اولیای دم حق قصاص دارد.به عبارت ساده‌تر وقتی کسی را عمداً مجروح می‌کنیم –با حصول شرایطی–شخص مجروح می‌تواند مرتکب را به همان اندازهٔ جنایت ، قصاص کند.و در مورد قتل، ولی دم مقتول می‌تواند مرتکب را قصاص کند. اما در قانون مجازات اسلامی مقره‌ای داریم که امکان قتل پدر در قبال فرزند را نمی‌دهد.به بیان بهتر، مقنن در مواردی بیان کرده که اگر کسی دیگری را بکشد، قصاص نمی‌شود ! یکی ازین موارد در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲ (مادهٔ ۲۰۴ ق.م.ا سابق ) مورد اشاره قرار گرفته است که قانون‌گذار می‌گوید :

« قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجننّ علیه نباشد…»

یعنی اگر مرتکب قتل، پدر یا جد پدری باشد، قصاص ساقط می‌شود.

طبق قانون اساسی ، قوانین من مبنیعت از شریعت و مذهب هستند.و در واقع این مادهٔ قانونی از متون فقهی استخراج شده است. البته نباید ناگفته بماند که در فقه نیز درخصوص این حکم اختلاف نظر وجود دارد. اما نظراًغلب و اکثر فقها، اشاره به عدم ثبوت قصاص دارد زمانی‌که مرتکب پدر یا جد پدری باشد و به روایاتی اشاره می‌کنند. به‌عنوان مثال: **اَنْتَ وَ قَالُکَ لِأَیِّکَ** یعنی تو و امواللت از آن پدرت است و با وجود این شبهه اعمال حد را ساقط می‌دانند و البته خوانندگان محترم و اندیشمند می‌دانند که منظور از حد ، معنای مزیع حدود نیست بلکه همهٔ مجازاتی که جنبهٔ الهی دارند را شامل می‌شود؛ یعنی حدود ، قصاص و دیات.

خب با ذکر این مقدمه به سؤال اصلی خودمان برگردیم .علت فرزندکشی چیست؟ تحلیل‌های موجود اشاره به همین نقیصه و خلا قانونی دارند و معتقدند که اگر قانون ما پدر را مستثنی از حکم قصاص نمی‌کرد، اکنون ما شاهد جنایات‌های مربوط به حوزهٔ فرزندکشی نبودیم.این دیدگاه در جامعه طرفداران زیادی دارد و هرجا سخن از فرزندکشی است ، انگشت اتهام در ابتدا به سمت همین خلا قانونی نشانه می‌رود.

اینکه آیا حکم قصاص حکم خوبی است یا نه ، محل بحث ما نیست. اینکه آیا قوانین فعلی باید متخذ از قفه باشند یا نه ، باز هم محل بحث ما نیست. ما فعلاً قصد داریم اندیشهٔ نورانی خوانندگان محترم و جامعه را به سمتی دیگر متمایل کنیم و اندکی به تأمل واداریم. به راستی اگر قانون هم اکنون پدر را در قبال قتل فرزند قصاص کند ، ما دیگر شاهد فرزندکشی نخواهیم بود؟

ایا اعمال مجازات خشن و شدید می‌تواند مانع فرزندکشی



می‌شود نیز خود تهدید بر امنیت جانی مهاجرین غیر قانونی به حساب می‌آید.

با ورود مهاجران و استقرار و اقامت آن‌ها در کشور مقصد، آن کشور با دردسرهای بسیاری روبه‌رو می‌شود؛ از جمله این که فرصت‌های شغلی برای کارگران داخلی از بین می‌رود چرا که مهاجرین، کارگران منتخب شرکت‌هایی هستند که برای کاهش هزینه‌های خود و فرار از تشریفات، مقررات قانونی دست و پاگیر بازار کار رسمی، به دنبال نیروی ارزان می‌گردند. مطابق آمارهای سازمان بین‌المللی کار، امروزه بین سه و نیم تا پنج میلیون مهاجر در بازار کار غیررسمی روسیه مشغول به فعالیت هستند و نکتهٔ جالب آن جاست که گاه درآمد حاصل از فعالیت این افراد و ارسال آن برای کشورهای مبدأ با میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برابری می‌کند!

یکی دیگر از مخاطراتی که مهاجرین برای کشورهای مقصد به همراه دارند، این است که امکان دارد آن‌ها در حوزهٔ تولیدات و مباحث اقتصادی و فنی به فرمول‌های صنعتی کشور مقصد دسترسی پیدا کنند و در عرصهٔ رقابت اقتصادی، تهدید محسوب شوند.

از دیگر مشکلاتی که با ورود مهاجرین برای کشور میزبان به وجود خواهد آمد، می‌توان به افزایش بیکاران در جامعه، خروج سرمایه از کشور به علت عدم امکان سرمایه‌گذاری داخلی توسط اتباع بیگانه، استفاده رایگان مهاجرین از خدمات اجتماعی و درمانی و .. داخل کشور و هم‌چنین افزایش مشاغل غیرمجاز در کشور اشاره نمود.

اکنون که با آسیب‌های ناشی از مهاجرت‌های غیر قانونی برای کشور مقصد و خود مهاجر آشنا شدیم، باید ببینیم که آیا راهکاری برای کنترل این مشکلات وجود دارد یا خیر. در شمارهٔ بعدی به تبیین اقدامات پیش‌گیرانه و هم‌چنین نحوهٔ کنترل آسیب‌های ناشی از مهاجرت غیرقانونی خواهیم پرداخت و راهکارهایی برای کاهش این نوع مهاجرت و به تبع کاهش مشکلات ناشی از آن، ارائه خواهد شد.

### قواعد ما براساس فقه و شریعت نوشته شود آنگاه نمی‌توانیم پا را از قواعد مبتنی بر شریعت فراتر بگذاریم. اصلاً بگذارید اینگونه ادامه بدهیم، مگر ما چند پدر در ایران داریم؟ شاید قریب به بیست، سی میلیون. چند فرزندکشی داریم؟ آمار جنایات مربوط به حوزهٔ فرزندکشی بسیار بسیار کم و نادر است. اتقدر کم که به تعبیر فقها، از باب النادر کالمعدوم انگار اصلاً نداریم. سؤال این است: چرا آمار فرزندکشی آنقدر پایین است؟ مگر ادعا نمی‌شود خلا و نقص قانونی داریم پس چرا سایر پدران و مادران مرتکب فرزندکشی نمی‌شوند؟ این سؤال مجدد ما را به سمت سؤال مطروحه سابق می‌برد که مردم غالب رفتار خود را بر اساس بایدها و نبایدهای قانون تنظیم نمی‌کنند که ما اکنون بخواهیم قانون را به خاطر رفتار مردم تغییر دهیم !

**پس علت ارتکاب فرزندکشی چیست؟**

به نظر می‌رسد پاسخ را به جد باید در حوزهٔ اختلالات روانی جست‌و جو کنیم. به‌عنوان مثال در پروندهٔ بابک خرم‌دین ما شاهد قتلی هستیم که پدر در کمال خونسردی مرتکب قتل فرزندش می‌شود! در قتل‌های ناشی از هیجان و غضب احتمال اختلال روانی تقریباً وجود ندارد اما در مواردی مثل این که شخصی مرتکب قتل‌های سریالی می‌شود و قتلی به غایت خونسردانه مرتکب می‌شود ، به درستی مبین اختلالاتی در شخصیت اوست. پدری که این‌چنین آرام و خونسرد چنین قتل شنیعی را مرتکب می‌شود، گرفتار اختلالات جدی است. اما چون از آسیب‌های فردی، روحی و اجتماعی و نوع تعاملات خانوادگی خانوادهٔ خرم‌دین و مخصوصاً پدر او چیزی نمی‌دانیم، نمی‌توانیم مشخص و دقیق علت قتل را تبیین نماییم.

در انتها ذکر یک نکته خالی از لطف نیست که پزشکی قانونی در روزهای اول به صورت شتاب‌زده فرض اختلالات روانی را منقی دانست! پزشکی قانونی اعلام کرد که پدر بابک خرم‌دین به همهٔ سؤالات آگاهانه و دقیق پاسخ داده است لذا اختلال روانی ندارد؛ اما سؤال این است که هر کس به سؤالات پزشکی قانونی پاسخ بدهد و صحنهٔ قتل و ماقع را به صورت دقیق تشریح نماید، اختلال روانی ندارد؟! به نظر می‌رسد این گونه نیست. البته شاید منظور پزشکی قانونی جنونی و اختلالی باشد که در قانون ذکر شده نه نوع خاصی از اختلال روانی. با این توضیح که قانون ما فقط نوع خاصی از اختلال روانی را رافع مسئولیت می‌داند آن هم اختلالی که مانع ادراک یا کنترل باشد و به تعبیر قانون، شخص مرتکب، مسلوب‌الاختیار باشد؛ اما شاید بهتر باشد در بازنگری قانون، این ملاک صغرو یکی را کنار بگذاریم و نگویمم شخص یا عاقل است یا مجنون؛ گاهی ممکن است شخصی اختلال روانی داشته باشد اما در حدی نباشد که توان ادراک و کنترل اعمال و رفتار خود را از دست بدهد. شاید بهتر باشد همانند بعضی از نظام‌های حقوقی مسئولیت قصاصی را بپذیریم و هر میزان از اختلال روانی را در تعیین میزان مسئولیت کیفری مداخله بدهیم. رویکردی منطقی و واقع بینانه که می‌تواند در حل معمای پرونده‌های جنایی همچون پروندهٔ بابک، به ما کمک کند تا ما بتوانیم متهم ردیف اول را از متهم ردیف آخر تشخیص بدهیم.

## نگاه ویژه

۴

ادامه ازصفحه ۱

سرمقاله

### نوش دارو پس از حادثه

بهترین راه برای پی بردن به افکار خودکشی در یک فرد این است که در مورد خودکشی از او سؤال کنیم. برخلاف باور عمومی سؤال دربارهٔ خودکشی باعث کاشته شدن افکار خودکشی در سر شخص نمی‌شود. در حقیقت این افراد خوشحال می‌شوند راجع به موضوع خودکشی و سؤالاتی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند به صورت واضح و مستقیم صحبت کنند.

چگونه با این افراد برخورد کنیم؟

•ازلحاظ هیجانی وی را حمایت کنید.

• با افکار خودکشی کار کنید. هرچه شخص واضح‌تر راجع به فقدان، تنهایی و بی‌ارزشی صحبت کند کمتر دچار بحران هیجانی می‌شود. وقتی بحران تمام می‌شود، شخص در این فکر فرو می‌رود که چه کار کند. این مراحل بسیار مهم و سرنوشت ساز است؛ همان‌طور که هیچ کس انتظار ندارد فردی که تصمیم برای مرگ گرفته بتواند تصمیم خود را عوض کند و مجدد برای زندگی تصمیم بگیرد.

• بر ویژگی‌های مثبت فرد متمرکز شوید، به این موضوع بپردازید که چگونه و از طریق چه راه‌هایی می‌توان مسائل را حل کرد.

• فرد را به کارشناسان بهداشت روان یا پزشک ارجاع دهید.

• در فاصله‌های زمانی منظم با فرد ملاقات داشته باشید.

• قراردادی به نام «خودکشی نه» ببندید و از وی قول بگیرید که وی بدون تماس با روانشناس و برای مدت زمان معینی خودکشی نخواهد کرد. اما اگر فرد در شرایط بحرانی و اقدام جدی به خودکشی قرار دارد، تکلیف چیست؟

• شخص را مطلقاً تنها نگذارید.

• ابزاری که امکان خودکشی را برایش تسهیل می‌کنند، را از او دور کنید.

• به صورت جدی شرایط بستری شدن وی را فراهم کنید.

• حمایت خانوادگی و دوستانه را برای او فراهم کنید.

• با وی قرارداد «خودکشی نه» را ببندید.

اما چگونه با فردی که تمایل به خودکشی دارد، ارتباط برقرار کنیم؟

• با اودر حالتی آرام، همدلی کنید و سعی کنید گوش دهید.

• در صحبت و رفتارتان حمایت و محافظت را نشان دهید.

• موقعیت را به سخره نگیرید، این موضوع مسئله‌ای جدی است؛ میزان خطر را برآورد کنید.

• نسبت به راه‌های دیگر با وی گفتو گو کنید.

• یکی از مباحثتان با وی، دربارهٔ برنامهٔ او نسبت به خودکشی باشد. آیا برنامه ریزی خاصی برای این کار کرده است؟

• حمایت‌های موجود برای فرد را بررسی و مطرح کنید.

• اگر خطر جدی وجود دارد، مطلقاً وی را رها نکنید .

از اشتباهاتی که دیگران می‌توانند در برخورد با آن‌ها انجام دهند، این است که وحشت زده و ترسیده بازخورد دهند، یا فرد و موقعیتش را نادیده بگیرند و بگویند( درست می‌شه، صبر داشته باش و...).

نکته‌ای که در نهایت می‌توان به آن پرداخت، این است که نحوهٔ برخورد با فردی که در گذشته خودکشی کرده، تأثیر زیادی بر احتمال تکرار آن دارد. در این شرایط، افراد خانواده، دوستان و… باید گوش به زنگ بوده و اطلاعات لازم و ضروری کسب کنند و راه‌های بازسازی ارتباطشان را با فرد بیابند و رفتارهای آسیب زندهٔ خود در گذشته را بازسازی کنند و با ایجاد زمینهٔ مناسب برای گفتو گو با وی، بهبودی شرایط را برای او فراهم کنند.

توضیح دانشگاه تهران درباره ادامه تحصیل کسری نوری پس از محکومیت قضایی

«سید داود آقایی» معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با خبرنگار اپلنا، در خصوص لغو حکم اخراج کسری نوری و شیوه ادامه تحصیل این دانشجو توضیح داد: در تاریخ ۱۳۰۴/۴/۱۳، کمیسیون موارد خاص دانشگاه تهران جلسه‌ای تشکیل داد که موضوع آن بررسی بازگشت به تحصیل کسری نوری بوده است.این بررسی به پیشنهاد و درخواست مادر کسری نوری که خواهان بازگشت وی به ادامه تحصیل بوده، صورت گرفته است، زیرا محکومیت قضایی وی از اسفند سال ۱۳۹۶ تاکنون ادامه داشته است.

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بیان کرد: در تاریخ۱۳۰۴/۴/۱۴۰۰ کمیسیون موارد خاص دانشگاه تصمیم به ابطال حکم محرومیت از تحصیل آقای کسری نوری گرفت و حکمی که تاریخ ۱۱/۹/۹۹ از طریق دانشگاه اعمال شده بود، لغو و اجازه ادامه تحصیل به وی داده شد.

دوهفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شمارهٔ هفتاد و هشت / نیمهٔ دوم تیر ۱۴۰۰

## وقتی همه خواب بودیم



کوثر صدری

کارشناسی جامعه‌شناسی ۹۸

یک: سعید قلی‌بیگلو متولد سال ۱۳۶۵، دانشجوی رشته فیزیک؛ که پس از پایان تحصیلات خود در دورهٔ دکتری برای پشت سر گذاشتن طرح دانشجویی به دانشگاه فردوسی مشهد آمد و در خوابگاه این دانشگاه ساکن شد؛ او پژوهش‌گر پسادکتری فیزیک بود و دوره‌های پژوهشی یک‌ساله خود را طی قراردادی که با دانشگاه داشت، تحت نظریک عضو هیأت علمی انجام می‌داد.

بر اساس اخبار رسمی منتشرشده سعید قلی‌بیگلو در روز شنبه، پنجم تیرماه، درگذشت؛ علت مرگ او خودکشی اعلام شد.

**دو**: ساعت ده و چهل‌وپنج دقیقهٔ چهارم تیرماه تماسی با معاون مرکز مشاورهٔ دانشگاه گرفته می‌شود و بیان می‌شود، قلی‌بیگلو برای دوستانش پیامکی زده مبنی بر اینکه «قصد خودکشی» دارد.

معاون مرکز مشاوره، با سرپرست خوابگاه تماس می‌گیرد و در خصوص موضوع از این فرد پرس‌وجو می‌کند؛ بلافاصله مددکاری را به آن‌جا می‌فرستند اما قلی‌بیگلو بعد از صحبت با مددکار برای رفتن مقاومت می‌کند؛ بعد از تماس مددکار با معاون و مکالمه معاون با قلی‌بیگلو، وی قانع می‌شود که به بیمارستان مراجعه کند و روان‌پزشک او را ببیند.

قلی‌بیگلو با نیروی انتظامات به بیمارستان ابن‌سینا رفته و در آن‌جا به دلیل مصرف قرص‌هایی که داشته، سریع به سمت اورژانس عدالتیان بیمارستان امام رضا برده می‌شود؛ پزشک در آن‌جا اعلام می‌کند که اگر علائم مسمومیت وجود داشت، باید خود را نشان می‌داد و به این صورت ادامهٔ پی‌گیری روند به بیمارستان ابن‌سینا موکول شده است.

رزیدنت کشیک در بیمارستان ابن‌سینا، چهل‌وپنج دقیقه با قلی‌بیگلو صحبت داشته و بعد از مشاوره اظهار کرده است که این فرد هیچ‌گونه افکار فعلی در خصوص خودکشی ندارد .

به این ترتیب به دلیل اطمینان خاطری که پزشک بیمارستان متخصص به مددکار داده است و حتی در مصاحبه با قلی بیگلو عواملی مثل امید به زندگی در این فرد را گزارش داده است، وی مرخص می‌شود. بعد از جریان، قلی بیگلو در ساعت ۳ صبح به خوابگاه برگشته و طبق قراری که با مرکز مشاوره تنظیم شده بوده ساعت نه صبح باید به مرکز مشاوره رجوع می‌کرد.

اما تا قبل از ساعت مقرر، دست به خودکشی می‌زند.

این توضیحات برآمده از صحبت‌های دکتر حمیدرضا طاهری ، معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و دکترراضیه ادبی، معاون مرکز مشاوره و توانمندسازی در جلسه با دانشجویان است.

**سه**: بعد از این شوک عظیم، دانشجویان خواستار

بررسی و شفاف شدن این مسئله شدند و به این ترتیب قرار شد در روز یکشنبه، هفت تیرماه، جلسه‌ای برای توضیح این مسئله با حضور مسئولین در سالن آمفی‌تئاتر علوم برگزار شود .

جلسهٔ روز یکشنبه با حضور دکتر محمد کافی؛ ریاست دانشگاه فردوسی، دکترعادل سپهر؛ مدیر روابط عمومی دانشگاه، دکتر حمیدرضا طاهری؛ معاون فرهنگی اجتماعی و دانشجویی و تعدادی از دانشجویان در مقاطع مختلف تشکیل شد .

بخشی از دانشجویان در ابتدای جلسه تأکید کردند که هدف جلسه پاسخگویی و درخواست مطالبات من باب این موضوع است و با به وجود آمدن فضای احساسی و غیر عقلانی به نتیجهٔ چندانی نمی‌رسند. اما متأسفانه در ادامهٔ جلسه روند صحبت‌ها به حواشی دیگری کشیده شد و همین امر باعث نادیده‌گرفته شدن هدف اصلی شد.

به طور کلی می‌توان گفت صحبت‌هایی که بیان شد شامل این موارد بود :

مشکلات دانشجویان در مقاطع دکتری و پسادکتری که در این بین مشکلات معیشتی را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در این حادثه می‌دیدند. و همچنین مشکلات موجود در خوابگاه‌ها را از دیگر علل مهم تخریب روحیه و ایجاد حس ناامیدی در دانشجویان می‌دانستند و معتقد بودند دانشگاه برنامه‌ای برای تقویت روحیهٔ دانشجویان در نظر نگرفته است.

دسته‌ای از دانشجویان صرف‌نظر از علل تأثیرگذار در این حادثه، به دنبال شفافیت روند حادثه و عاملین آن بودند و خواستار عذرخواهی مسئولین مربوطه و یا استعفای آن‌ها شدند.

در آخر برخی از دانشجویان به نقد عمل‌کرد آن روان‌پزشکی پرداختند که نبود افکار فعال در قلی‌بیگلو را تایید کرده است؛ و این درحالی است که او سابقهٔ یک خودکشی ناموفق و خوردن قرص داشته است.

از انتقادات وارد شده به مرکز مشاوره، عدم توجه به برخی موارد و پروتکل‌های در این خصوص از جمله ضرورت افزایش حمایت اجتماعی بعد از خودکشی برای قلی‌بیگلو بود.

بعد از پایان این جلسه بنا شد رئیس مرکز مشاوره و توانمندسازی دانشجویان عزل شود و معان فرهنگی و اجتماعی دانشگاه استعفا دهد.

**چهار**: بعد از جلسهٔ پراشیهٔ یکشنبه، نمایندگان تشکل های دانشجویی خواستار برگزاری جلسه‌ای با حضور ریاست دانشگاه و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی بودند.

و دلیل عمده‌ی تشکیل این جلسه را اظهارنظرهای احساسی و بعضاً غیرعقلانی و البته به حق، در جلسهٔ یکشنبه می‌دانستند.

پس بیانیه‌ای توسط نمایندگان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در تشکل‌های دانشجویی، کانون‌های فرهنگی–هنری، هیئت



دانشجویی و انجمن‌های علمی دانشگاه تنظیم شد. و در جلسه‌ی روز دوشنبه هفتم تیرماه ارائه شد،

آنها در این بیانیه خواستار تشکیل کمیته‌ی حقیقت یابی برای این موضوع شدند که این کمیته متشکل از ۹ عضو است و نسبت به تحقیق و تفحص در رابطه با نقش هریک از مسئولین در این ماجرا اقدام و قصور هریک را مشخص می‌کند و در ادامه با افراد مرتبط برخورد شود. همچنین از دیگر مسائل مطرح شده در بیانیه احیای هرچه سریع تر شورای منحل شده صنفی بود.

**پنج**: این حادثه و همین‌طور جلسه‌ی روز یکشنبه، بسیاری از کمبودها را در فضای دانشگاه یادآوری کرد؛ از مهم‌ترین مسائلی که نمی‌توان به راحتی از آن گذر کرد، عدم فضای پویای دانشگاه و به خصوص در سطح دانشگاه فردوسی مشهد و همچنین عدم فضای مناسب برای مطالبه‌گری دانشجویان است.

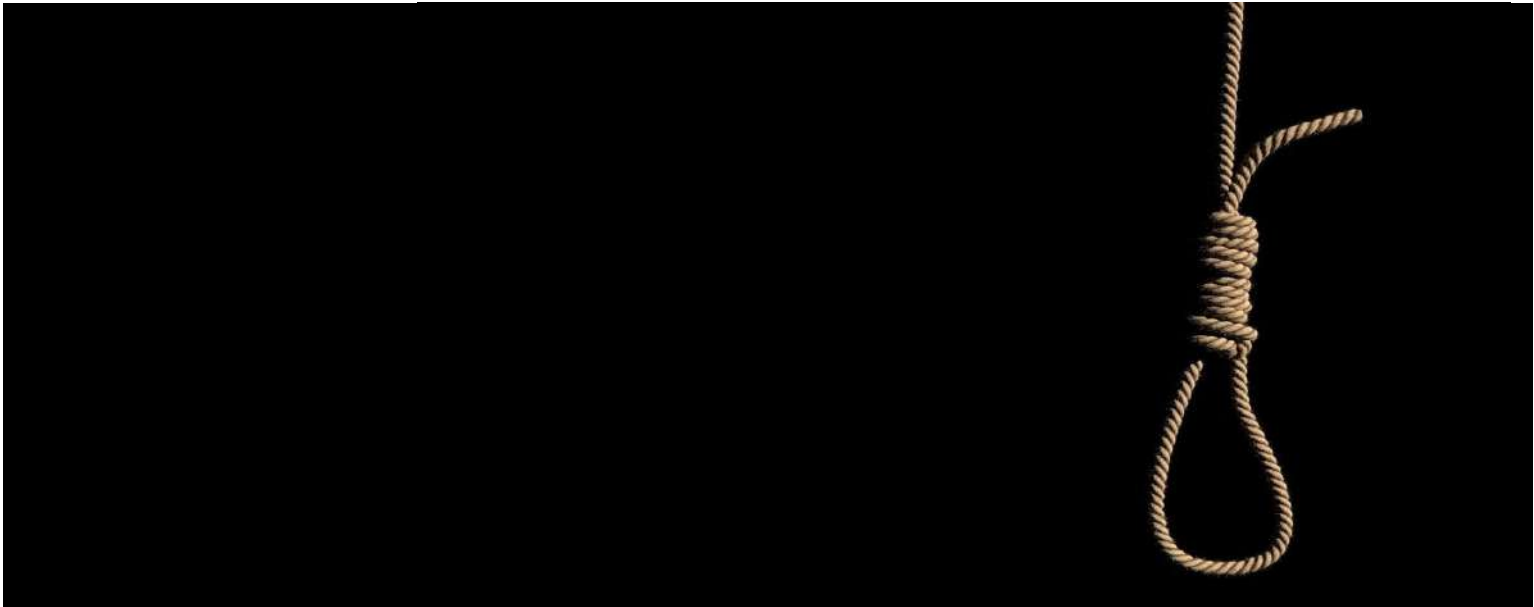
جلسهٔ روز یکشنبه و ازدحامی که پیش آمد تا حد زیادی گویای ازدیاد و تنوع خواسته‌های دانشجویان بود؛ خواسته‌هایی که هیچ‌وقت فرصتی برای فراهم شدن آن نبوده است. در واقع اگر مطالبات دانشجویان، فرصت مناسبی برای بروز پیدا کند، به مرحلهٔ اغتشاش و هرج‌ومرج هم نخواهد رسید.

**شش**: خودکشی عموماً یکی از خصوصی‌ترین و شخصی‌ترین اعمال به شمار می‌آید اما قطعاً می‌توان درباره علل اجتماعی آن نیز حرف زد، از جمله کمبود امکانات، مشکلات اقتصادی و عدم پی‌گیری مسئولین و همه این‌ها باعث به وجود آمدن پیامدهای ناگواری در شرایط معیشتی، روانی و اجتماعی اقشار مختلف جامعه و به طور خاص برای دانشجویان در سطوح مختلف می‌شود.

اما حال فارغ از پرداختن به جزئیات بیشتر ماجرا و قصور مسئولین در این حادثه‌ی به خصوص، در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی از جمله خودکشی، صرف دیدن عوامل اجتماعی و نادیده گرفتن نقش عوامل روانی، تحلیل و راهکارهای ما را غیر واقع بینانه می‌کند.

درحالی که این تعمیم اجتماعی نه تنها راه خوبی برای پیشگیری از خودکشی نیست بلکه باعث رواج بیشتر آن هم می‌شود و در واقع مجوز دادن به خودکشی برای بخش دیگری از دانشجویان دانشگاه با شرایط مشابه است .

**هفت**: اکنون همه منتظر نتیجه بررسی‌های کمیته حقیقت‌یاب هستیم تا ابعاد روشن‌تری از ماجرا را بیاییم. آن‌چه راویان حی و حاضر از زندگی قلی‌بیگلو نقل می‌کنند تنها بعد بیرونی ماجراست. سعید قلی‌بیگلو اکنون در میان ما نیست تا آن‌چه حقیقت و واقعیت بوده را بیان کند، بنابراین این روایات ناقص است و تا تکمیل شدن فاصله دارد.



## پول نفت رسالت دانشگاه‌ها را به فراموشی می‌برد



رئیس بنیاد ملی نخبگان خراسان رضوی گفت: اگر من به عنوان دانشگاه، به پول نفت وابسته باشم رسالت‌م را فراموش خواهم کرد و یکی از رسالت‌های مهم من این است که افرادی را تربیت کنم که مسائل جامعه را حل کنند.

وابستگی دانشگاه‌های دولتی به لحاظ منابع مالی به دولت، تبعاتی را به همراه دارد. در صورت بروز نوسانات اقتصادی و کاهش درآمدهای دولت، بودجه دانشگاه‌ها نیز کاهش یافته و اداره آن لاجرم دشوار می‌شود.

از سویی دیگر، عموماً اولویت‌های بودجه‌ای دانشگاه‌ها به پرداخت حقوق کارکنان، اعضاء هیات علمی و برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها تعلق می‌گیرد، لذا برنامه‌های توسعه‌ای یا سرمایه‌گذاری، مانند خرید تجهیزات مورد نیاز، ارتقاء کیفی فضاهای دانشگاهی و فعالیت‌های پژوهشی، برگزاری سمینارهای پژوهشی بین‌المللی و آنچه که می‌تواند فعالیت‌های پژوهشی را پرنرگ کند از اولویت خارج می‌شوند.



حسین مهدویان

کارشناسی مهندسی مکانیک ۹۶

حقوق دانشجویی؛ عبارتی که در بسیاری از جملات و یادداشت‌ها دیده می‌شود، در بسیاری از تریبون‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی بر زبان بسیاری از مسئولین و دانشجویان جاریست و حتی در متون قانونی از آن بسیار یاد می‌شود و با این‌که به‌طور مشترک و حداقل در ظاهر برای همگان مهم و حیاتی تلقی می‌شود ولی هم‌چنان دغدغه و مطالبه فراموش‌شده، محقق‌نشده و اصلی دانشجویان است. این‌که چرا و به چه دلیل هنوز در دانشگاه‌های کشور شاهد نقض و حتی پامال‌شدن انواع و اقسام حقوق دانشجویی به اشکال و روش‌های مختلف هستیم حتما پاسخ‌های گسترده و متنوعی دارد که نیازمند یک بررسی دقیق و علمی است. اما به‌طور مختصر به یکی از مهم‌ترین دلایل این مسئله می‌پردازم و آن هم استقلال شورای صنفی است. به هر صورت شورای صنفی محلی است برای پیگیری حقوق دانشجویی لذا بایستی همیشه شورای صنفی برای دانشجویان باشد. از عمده‌ترین آفت‌هایی که همیشه همراه شوراهای صنفی بوده است می‌توان به عدم استقلال و وابستگی آن‌ها به گروه‌ها، افراد

و دسته‌های مختلف فکری، سیاسی، سازمانی و ... اشاره کرد. در فضای دانشگاه، شکل‌های اسلامی و انجمن‌های علمی که بستری برای فعالیت‌های بخشی از دانشجویان در دانشگاه‌ها هستند به‌واسطه این‌که هرکدام از آن‌ها به‌دلیل دنبال کردن یک مسیر خاص فکری و حتی تخصصی قابلیت پذیرفتن طیف‌های به‌خصوصی از دانشجویان را دارند، نمی‌توانند در حالت عادی محلی برای پیگیری حقوق دانشجویی و صنفی همه دانشجویان باشند لذا نیاز است شورای صنفی ایجاد شود تا این خلأ را پرکند. اما نکته مهم در تشکیل این شورا استقلال آن از هر نوع فضای دارای پتانسیل جهت‌دهی است. قطعاً اگر اعضای شورای صنفی دانشجویان متشکل از یک طیف عقیدتی و سیاسی و حتی یک رشته تحصیلی به‌خصوص در دانشگاه نمی‌توانند باشند به خوبی اصل بی‌طرفی را رعایت کند. شورای صنفی و اعضای آن برای نهاد و مسئولین دانشگاه به‌عنوان سخن‌گویان رسمی دانشجویان به‌حساب می‌آیند و در نتیجه مطالبات مطرح شده از سوی این شورا در صورتی که برگرفته و تحت‌تأثیر از یک گروه یا یک طیف خاص از دانشجویان باشد، هیچ‌گاه مرتفع‌کننده مطالبات بخش بزرگ دانشجویی نخواهد بود و در حقیقت تلاش‌های انجام شده از

## در باب استقلال شورای صنفی در وقت حادثه دانشجو برای دانشجو

اتفاقی بود که متأسفانه در دو دوره اخیر به وضوح قابل احساس بود. جمعیت غالبی از اعضای شورای صنفی از دانشجویانی تشکیل شده بود که متأسفانه از یک طیف خاص بودند لذا اکثر تصمیماتی که گرفته می‌شد صرفاً از گفتمان آن افراد بود و نه سلیقه‌های مختلف دانشجویی دیگر. نتیجه نیز مشخص بود. بعد از پایان هر دوره، شاهد کاهش مداوم آمار حضور دانشجویان در انتخابات شورای صنفی دانشگاه بودیم به‌طوری که در بعضی دانشکده‌ها آمار مشارکت به صفر رسیده بود. حتی در بعضی دیگر، کاندیداهای آن دانشکده خودشان به خودشان زحمت رأی دادن را هم نداده بودند. این‌ها اتفاقاتی است که حاصل نادیده گرفته شدن دانشجویان از دید خود دانشجو است. زمانی که ما دانشجویان با هر طیف و عقیده‌ای به فکر خودمان در باشیم و مسائل جناحی را در امور صنفی دخیل کنیم باید منتظر عواقبش نیز باشیم. البته در کنار این‌که شورای صنفی بایستی استقلال خود را حفظ کند تا مورد اقبال دانشجویان قرار گیرد اما از آن سو نیز، دانشجویان بایستی نسبت به تشکیل این شورا و حضور در انتخابات شورای صنفی حساسیت لازم را به خرج دهند تا دوباره بعد از حادثه‌ای ناگوار، به یاد تشکیل شورای صنفی و غفلت از نبودن آن نیفتند.

سوی شورای صنفی صرفاً برای آن عده خاص مفید است و سایر دانشجویان از این تریبون دانشجویی بی‌بهره می‌مانند. متأسفانه نتیجه این امر نیز منتهی به بی‌اعتمادی دانشجویان نسبت به این نهاد مهم و اثرگذار می‌شود و در نتیجه باعث از بین رفتن قدرت و مشروعیت شورای صنفی در نظر مسئولین دانشگاه خواهد شد. از بین رفتن مشروعیت شورای صنفی نیز منتهی به یک‌سری معاملات و زد و بندهای غیراخلاقی و نامشروع برای سکوت درمورد برخی مسائل مهم و مطالبات به‌حق دانشجویی، میان برخی اعضای شورا و برخی مسئولین دانشگاهی می‌شود تا بدین‌وسیله آن شورا در عمل از کارایی خود بیفتند و در نهایت با بدل‌شدن شورای صنفی به شورایی بی‌فایده که نه مشروعیتی دارد و نه مورد اعتماد جامعه دانشگاهی است، دیگر در سال‌های بعد نیز خبری از تشکیل آن نباشد. چرا که بی‌اعتمادی به‌وجود آمده ناشی از عمل‌کرد شورای قبلی بر شرکت دانشجویان در انتخابات شورای بعدی اثر گذاشته و باعث عدم حضور دانشجویان در صحنه می‌شود. نتیجه عدم حضور نیز عدم تشکیل شورای صنفی و در نهایت حذف این شورا بدون دخالت مستقیم دانشگاه خواهد بود. عدم استقلال شورای صنفی دانشگاه فردوسی،



## خودکشی، پدیده‌ای تا ابد مرموز



مریم رحیمی

کارشناسی ارشد علوم اجتماعی ۹۸

خودکشی پدیده‌ای مرموز است چراکه جز خودکشی‌کننده کس دیگری علت حقیقی آن را نمی‌داند و دیگران نزدیک به وی فقط می‌توانند حدس‌هایی در باب علت آن بزنند. خودکشی فقط زمانی حالت اسرارآمیز خود را از دست می‌دهد که عمل ناموفق باشد، در این صورت جامعه‌شناسان و روان‌شناسان می‌توانند حادثه را واکاوی کنند.

من و یکی از دوستانم چندسال پیش خیلی خودجوش بعد از خواندن کتاب خودکشی دورکیم (جامعه‌شناس شهیر فرانسوی) مقاله‌ای علمی در زمینه خودکشی آغاز کردیم. برای پیدا کردن نمونه‌های خودکشی ناموفق به بیمارستان امام رضا رفتیم و چندماه را در سالن طولانی و باریک بخش مسمومیت بیمارستان سپری کردیم و با افرادی با پیش زمینه‌ای متفاوت و البته سنین مختلف مصاحبه کردیم و سعی کردیم با شروع از دوران کودکی و روابط خانوادگی و اجتماعی و دوستانه و... به شب و روز حادثه مذکور برسیم تا بتوانیم یک دسته‌بندی از عوامل موثر بر خودکشی داشته باشیم. حادثه رخ داده برای سعید مرا تشویق کرد تا نتایج آن مقاله را به صورت چکیده در این یادداشت بنویسم و با شما خوانندگان به اشتراک بگذارم تا بتوانیم درکی بهتر نسبت به وضعیت روحی و روانی خودکشی‌کنندگان

برسیم و آن‌هایی که افکار خودکشی دارند را به‌راحتی تنها نگذاریم.

در مقاله مذکور ما با ۲۳ نفر اعم از زن و مرد با استفاده از تکنیک روایت‌پژوهی مصاحبه گرفتیم و در طول کارمان با افراد مختلفی آشنا شدیم. حتی در یک صحنه ناگهانی درون سالن بیمارستان شاهد یک خودکشی ناموفق زنده هم بودیم که به‌شدت برای ما که دانشجوی سال دوم بودیم به معنای واقعی کلمه غافل‌گیرکننده بود. خاطرات فراوانی از دوران کارمان در بیمارستان امام رضا داریم که در این فرصت از حوصله خوانندگان این مقاله خارج است بنابراین به مسئله اصلی می‌پردازم.

امروزه به موازات افزایش میزان جمعیت در جهان، شاهد ظهور و یا افزایش آسیب‌های موجود در سطح جامعه هستیم. خودکشی را می‌توان نوعی از آسیب دانست که فرد آن را با آگاهی و با قصد آسیب‌رساندن به خود، انجام می‌دهد. این عمل، تصادفی و فاقد معنا نیست بلکه به عنوان روزه‌ای است که سبب رهاشدن و یا کاستن رنج و دردهای شخصی است. خودکشی تصمیمی فردی است که امکان دارد از هر شخصی سر بزند و در به وقوع پیوستن آن عوامل گوناگونی هم‌چون: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و ... نقش دارند. هرچند به دلیل پیچیدگی مسئله خودکشی امکان تفکیک سهم هرکدام از این عوامل امکان‌پذیر نیست.

باتوجه به مسئله اصلی پژوهش، ما حاصل این فرآیند، دستیابی به یک مفهوم مرکزی تحت عنوان: خودکشی به عنوان عاملی التیام‌بخش به مشکلات روزمره و پنج مقوله محوری نظیر: شرایط مداخله‌ای، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها است.

ضرورت‌های ایجابی توجه به خودکشی که ناظر بر شرایط علی پدیده از منظر سوزدها در این خصوص مطرح گردید مصداق‌هایی نظیر: اختلاف در رابطه زناشویی، شرایط نامساعد خاستگاه خانوادگی، تجربه احساسات ناخوشایند و بی‌کاری را دربرمی‌گرفت. شرایط زمینه‌ای موثر بر بروز پدیده خودکشی، ناظر بر مجموعه خاصی از شرایط است که در یک زمان و مکان خاص پدید می‌آیند تا مجموع اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود آورند که اشخاص یا افراد و گروه‌ها در جامعه با عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. این شرایط مشتمل بر عواملی نظیر: نقض در فرآیند دوست‌یابی، سابقه حضور در زندان، وضعیت نامساعد روابط زناشویی، وضعیت نامساعد روابط خانوادگی، دوستی با جنس مخالف، شرایط نامساعد وضعیت تحصیلی و فراهم‌بودن شرایط خودکشی است.

شرایط میان‌جی و مداخله‌گر اشاره به وضعیت‌هایی دارد که بر اتخاذ راهبردها و کنش و تعامل تاثیرگذار هستند، ناظر بر شرایطی نظیر: ضعف در اعتقادات دینی، نامساعد بودن شرایط خاستگاه اجتماعی و

تجربه مصرف دخانیات است. براساس یافته‌های پژوهش، سوزدها به راهبردهایی به مثابه مکانیزم و تدبیری دربرخورد با پدیده خودکشی اشاره داشته‌اند که با اتخاذ آن‌ها، این پدیده محقق می‌گردد. این راهبردها دو بعد خودکشی معطوف به مکان و خودکشی واکنش‌های معطوف به ابزار را دربرگرفته‌است. خودکشی به مثابه سرنوشتی که فرد خودخواهانه در صدد رقم زدن آن است. این اقدام به نوعی می‌تواند بیان‌گر خواسته‌ها و آرزوهای برآورده نشده، سرخوردگی‌ها، محرومیت‌ها، تضادها و احساس‌های ناکامی افراد انتخاب کنند. گاهی انتخاب این نوع از مرگ می‌تواند نشانگر عصیان و سرکشی فرد در مقابل خواسته‌های دیگران باشد. از آن‌جایی که خودکشی نه تنها زندگی فرد بلکه خانواده، خویشاوندان و دوستان وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سبب می‌شود افراد پس از خودکشی واکنش‌های متفاوتی به زنده ماندن خود نشان دهند. پیامدهای ناشی از عموماً خود را به صورت دو وجهی نشان می‌دهند، مانند: احساس عدم رضایت از نجات یافتن پس از اقدام به خودکشی، پیدایش احساس خودارزشمندی و بهره‌مندی / عدم بهره‌مندی از حمایت خانواده و اطرافیان.

این یادداشت برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی خانم فاطمه ذکرتابد و مریم رحیمی با عنوان «مطالعه موردی عوامل اجتماعی موثر بر خودکشی» است.

### برگزاری نکوداشتی برای «بانوی زبان فارسی»

مراسم نکوداشتی برای زهرا استادزاده، عضو فقید هیأت علمی معاونت گسترش زبان فارسی مرکز همکاری‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شد.

به گزارش ایسنا، این مراسم با عنوان «آفتابگردان خاموش» همزمان با زادروز زهرا استادزاده، در روز یکشنبه (۲۵ تیرماه) ساعت ۱۹ در فضای مجازی برگزار شد.

محمدجعفر یاحقی، محمد دبیرمقدم، امید بهبهانی، سیدمحمد ترابی، بهادر باقری و محمدامین ناصح در این نکوداشت سخنرانی داشتند.

## نگاهی جامعه‌شناسانه بر «مرگ تدریجی یک رویا»

کند و سریال همین‌جاست که بر مسئلهٔ عدم شناخت عقاید خویشتن متمرکز است.

البته در کنار تمام شخصیت‌های تیپیک این دو قشر از اجتماع ایران، شخصیت‌های معتدلی هم حضور دارند که با وجود اعتقاد خود به مسیری خاص، سایر تفکرات را نیز محترم شمرده و چندان در پی تخریب جناح مقابل نیستند؛ حامد، نمایندهٔ قشر سنتی که تا حدودی از مرزبندی خانوادهٔ مذهبی خود عدول کرده، مارال را با تمام تفاوت‌هایش( تا جایی که قصد ترک ایران نکرده) می‌پذیرد و هلن، دوست ساناز و مارال که با وجود زندگی سخت و تفکراتی که او را به تنهایی سوق داده‌اند، قصد دخالت در زندگی دیگران ندارد و هرکس را به تصمیمات خودش واگذار می‌کند.

زمانی که مدرنیته، نه آرام که چکشی و یک‌باره به ملتی



تزیق شود، سالیانی طولانی آن ملت را با چالش‌هایی بزرگ رو در رو می‌کند که راه خود را در روزمره و جزئیات زندگی آنان هم باز کرده است و این نشان می‌دهد که تغییرات بی‌محابا، کل تاریخ را درگیر خواهند کرد. در سریال از زنانی سخن گفته شد که بدون شوهر خود نمی‌توانند راه بروند؛ این همان تصویر «گیتی»، خالۀ مارال است که وی رمان اول خود را بر اساس زندگی او نوشت. در مجموع انتخاب اسامی رمان‌های مارال، جالب توجه است. کتاب گیتی، از یک اسم قدیمی برای بررسی داستان یک انسان سنتی-مذهبی برگرفته شده که در عین تلاش برای بقیه بخش‌های زندگی، تمام قدرتش را برای شوهر خود هزینه می‌کند. نام رمان بعدی او با تأیراتی که از ساناز و دوستان او می‌گیرد، رویاست. رویا می‌تواند دو جنبه داشته باشد: اول اینکه یک اسم قدیمی نیست. دوم اینکه شاید به رویایی اشاره دارد که مرگ تدریجی‌اش را در مسیر سریال شاهد بودیم؛ مرگ رویای شهرت مارال در خارج از کشور. مارال، گیتی را در ابتدای امر می‌ستاید اما با تغییر رویکرد، رمان رویا را می‌نویسد که در آن، شخصیت اصلی در مقابل گیتی می‌ایستد. رویا یک زن امروزی‌ست که از رفتار پدرسالارانهٔ جامعه‌اش به ستوه آمده است. ما در جریان این دو رمان با دو طرز فکر مواجهیم که مارال در هیچ‌یک از رمان‌هایش به آن‌ها آگاه نبوده است و این حکایت اکثر مردمان روشن‌فکر ماست که زیاد تغییر می‌کنند و در عوض مردمان سنتی که تقریباً هیچ تغییری را پذیرا نمی‌شوند. هیچ‌یک هم به سرمنزل مقصود نخواهند رسید؛ چون از ریشهٔ آنچه بدان اصرار می‌ورزند، بی‌اطلاع اند.

در مرگ تدریجی یک رویا، با زنی طرفیم که برای خروج از کشور، به‌خاطر نداشتن اجازه از شوهرش، مجبور به ترک اوست. بر خلاف بسیاری از ایرانیان، جیرانی به حق، مهاجرت را سرسری ندیده است؛ تفاوت انسانی که به مهاجرت می‌اندیشد و انسانی که به ماندن و وطن فکر می‌کند، تفاوت مهمی‌ست؛ برخاسته از تفکرات دو شخص؛ آن هم نه تفاوت از نوع سطحی، که عمیق و دور و دراز.

به هر ترتیب سریال قدرت این را دارد که شما را به عمق ناراحتی بکشاند؛ مثل زمانی که حامد تمام تلاش خود

تفکر مدرن پیشی می‌گیرد و در انتهای داستان، بازندگان اصلی، نمایندگان سنت‌اند.».

شخصیت‌های مذهبی سریال، خود را برتر از قشر غیرمذهبی و دین‌گریز می‌دانند، قوانینشان صلب و غیرقابل تغییر است، برای دیگران تعیین تکلیف می‌کنند، تعاریف خاص خود را دارند که بقیه محکوم به تفکر هم‌ماندند. برای آن‌ها، ارشاد سایرین با اندیشه‌ای متفاوت، در درجهٔ اول اهمیت قرار می‌گیرد؛ یعنی به نوعی اجبار در قبولاندن عقیدهٔ خود به دیگران معتقدند؛ در جایی ، دختر مذهبی‌ای که مارال به خانه‌اش پناه می‌برد- به عنوان یک شخصیت‌های فرعی- خطاب به داریوش آریان می‌گوید: «قرن ۲۱،

قرن بی‌ایمانی نیست، شما باید این رو بپذیرید» و یا حامد خطاب به همسرش می‌گوید: « من اشتباه

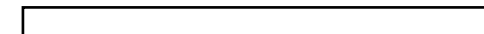


نمی‌کنم. این تویی که باید برگردی به تفکری که باهاش رمان گیتی رو نوشتی». این قشرگاهی کنج‌کاو است؛ در سکانسی، یکی از شخصیت‌های فرعی-با تفکر سنتی- بدون در زدن، در اتاق خواب دختر و دامادش را باز می‌کند و می‌گوید: «چی‌کار می‌کنید؟ چرا نمایان بیرون؟». لوکیشن خانۀ حامد بسیار هوشمندانه بوده است. خانه از بالای در، به داخل دید دارد. چون بالای در شیشه است و وقتی از راه‌پله بالا می‌روید، کل خانه از نمای شیشه‌ای پیداست و دوربین جیرانی با هوشمندی، مخاطب را دائماً در موقعیتی قرار می‌دهد که به جای شخصیت‌ها، این ما باشیم که حریم خانۀ مارال و حامد را می‌بینیم.

مضاف بر آن که نگاه این دو قشر به مسائل مهم زندگی، بسیار متفاوت است: دیدگاه مردمان سنتی به ازدواج؛ مقدس شمردن این پیوند و تن دادن به هر شرایطی برای حفظ آن است و در نهایت، این‌ها تنها بخشی از توجیه کشمکش‌های این زوج بر اساس رفتارهای سنتی‌اند.

اما شخصیت‌های مدرن داستان، دچار نوعی بی‌تفاوتی افسارگسیخته‌اند. گئورگ زیمل در مقالهٔ معروف خود «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، از تنهایی افراد در محیط شهرهای مدرن سخن می‌گوید و واژه‌ای خاص برای آن به کار می‌برد (apathy) تا به بی‌احساسی و بی‌تفاوتی آنان اشاره کند. مردمان مدرن بر «خود» پافشاری می‌کنند. در کتابی تحت عنوان «Individualisme l'est un humanisme» (به فارسی: فردگرایی، انسان‌گرایی‌ست)، نویسنده توجه به خود و علاقه‌های شخصی را توجه به جوهر انسانی خویش معرفی کرده است. اما این

همان تفکر سنت نیست که فرد در بستر یک رابطه، وجود خود را فدای جمع دو یا چند نفره خواهد کرد. از آن گذشته، توجه به حقوق زن در ذهن شخصیت‌های مدرن داستان، به اشتباه برداشت می‌شود و اگر کسی خواهد هوادار زن باشد، باید او را خالی از هر احساسی



را برای حفظ زندگی مشترک سست خود با مارال انجام می‌دهد اما در مقابل، چمدان مارال همیشه آماده است. او همیشه آمادهٔ رفتن و ترک حامد است، بدون آن‌که دلش برای یارو دیار تنگ شود.

از نقاط مثبت دیگر این سریال، توجه به نمادهاست. آب و هوا در این اثر، تداعی‌گر نوع رابطهٔ مارال و حامد است؛ ما دائماً با باد و باران و طوفان روبه‌رویم که تشویش همیشگی و غیرقابل کنترل این زندگی مشترک را تصویر می‌کند. گویی این دو همواره در تشویش‌اند و آرام ندارند. یکی برای قطع رابطه تلاش می‌کند و دیگری برای حفظ آن و همین مسئله، آنان را در یک دور باطل گرفتار می‌کند و این خصلت انتخاب‌های اشتباه انسان است. ویژگی دیگر این داستان، کشش بی‌نهایت آن است. نمی‌توان کنارش گذاشت. هیچ قسمتی را نمی‌شود دوست نداشت و ندید.

مرگ تدریجی یک رویا، ادغام رادیو و تلویزیون بود. حضور بازیگران رادیو (آشا محرابی، فریدون محرابی، دانیال حکیمی و شیوا خنیگار) در قاب تلویزیون، تصویری عجیب و متفاوت به وجود آورد که در کنار حضور دوپلور موفقی چون ناصر طهماسب، ملغمه‌ای از صداهای خوش با تمی تاریک و وقایع ناگوار، سریالی ماندگار را رقم زد. در مجموع، تیم بازیگری، عجیب و دوست‌داشتنی بود ( به نظر من ستاره اسکندری را فاکتور بگیری که در هیچ نقشی بر دل نمی‌نشیند! انتخاب ستاره اسکندری در نقش خواهر مارال، اشتباه مهلک جیرانی بود؛ با بازی باورناپذیر، ادای دیالوگ به بدترین فرم ممکن و البته واکنش‌های اغراق‌آمیز او در سکانس‌های حساس).

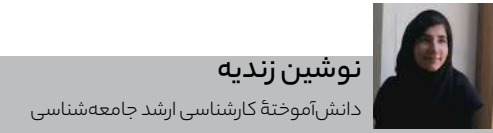
ناگفته نماند که در بخش‌های انتهایی، به ایرانیانی پرداخته شد که در خارج از کشور، هویت خود را مخفی می‌کنند، اما مثل همیشه یک کاراکتر «مشرقی» دیگر ، متفاوت با همه، جلودار میدان گشته، ما را به «خود

ایرانی‌مان» باز می‌گرداند.

یکی از جالب‌ترین بخش‌های سریال که برخی آن را نقطهٔ ضعف داستان می‌دانند، آرامش مارال در تمامی مراحل رفتن به لندن بود. من برخلاف منتقدین، این مسئله را نقطهٔ قوتی می‌دانم که به تلقین اشاره داشته است.

وقتی بخواهیم باوری را در خود شکل دهیم، ابتدا سخت به‌نظر می‌رسد. زمانی که بر شکل‌گیری آن باور اصرار کردیم، به ناگاه، صورت صلبی به خود خواهد گرفت که شکستش دشوار است. واقعیات اجتماعی از دیدگاه امیل دورکیم، با تکرار مکررات در جامعه شکلی مستحکم می‌گیرند و ما زمانی می‌توانیم در اشخاص تغییری لحاظ کنیم که واقعیت صلب اجتماعی شکل نگرفته باشد. واقعیت زندگی مارال در انتهای داستان، سفر بود.

برخلاف نقدهایی که خوانده‌ام؛ در نهایت، این نمایندهٔ تفکر سنتی است که شکستی سنگین را متحمل شده. حامد و خانواده‌اش، از مارال، خواهر و دوستان او شکست مفتضحانه‌ای خوردند و برای اطمینان، کافی‌ست نگاه کنیم که چنان‌چه نمایندگان مدرنیته در داستان، به طریقی گرفتار نمی‌شدند، حامد تا ابد تنها می‌ماند. اگر مارال دچار سانحه نمی‌شد، آیا به هیچ قیمتی، راضی به زندگی مجدد با حامد می‌شد؟ در ایران می‌ماند؟ با انسان‌های سنتی زندگی می‌کرد؟ پاسخ تمامی این سوالات، یک «نه» قاطع است. تفکر مدرن مارال، حاضر به بازگشت به گذشته نیست. حاضر به تازه کردن هیچ عهدی، برگشتن به احساس به جای عقل نیست. این مسئله در سینمای ایران بسیار پررنگ است. برای مثال به سریال پدرسالار و پایان آن توجه کنید: اگر پدرسالار دچار بیماری نمی‌شد، آیا هیچ‌یک از فرزندانش به بالین او حضور می‌یافتند؟ در اینجا نیز پاسخ، یک نه قاطع است و مشخص نیست در سینمای ایران، به چه علت برای بازگرداندن انسان‌های مهم زندگی‌مان، بایستی لزوماً به بالیی ناگهانی دچار شویم (شاید چون می‌دانیم که در وضعیت عادی، آن شخص، حاضر به زندگی با ما نیست). این مهم نه در سینما که در روزمرهٔ ما، فاقد تازگی‌ست و مگر نه آن که سینما، همان حقیقت جامعه است؟ کافی‌ست به دلیل خودکشی‌های رایج در جامعه نظر افکنیم تا متوجه شویم که شخص برای ایجاد طرحی نو، به پایان تراژیک متوسل می‌شود. این مهم، ویژگی یک اجتماع با ناتوانی در تغییر، ناتوانی در گفت‌وگو، با اشتباهات پی‌درپی و گسترده در انتخاب‌های مهم زندگی‌ست و سینما این چنین ما را به بازخواهد گرداند.



### نوشین زندگی

دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

سال‌هاست که جیرانی را با آثار سینمایی‌اش می‌شناسم: «شام آخر» و آن پایان شگفت‌انگیز، «من مادر هستم» و تصویرگری جسورانهٔ یک واقعیت اجتماعی و«خفگی» با مفاهیم عمیق و نمادینش.

اما ورود او با «مرگ تدریجی یک رویا» به دنیای تلویزیون، ورودی متفاوت بود که نشان داد یک کارگردان سینما می‌تواند کارگردان تلویزیونی خوبی شود، در حالی که عکس آن بر حسب تجربه، اگر نگوییم ناممکن، بسیار دشوار است.

داستان، حکایت عشقی ساده و صمیمی میان دو انسان با دو دنیای متفاوت است. یکی از این شکاف عقیدتی به راحتی گذر کرده، خود را با امید تغییر و یکی شدن، به ندانستن می‌زند (حامد) و دیگری مطلقاً نمی‌داند که این فاصله تا کجاست (مارال). سریالی با پرنگ تقابل سنت و مدرنیته که در تمام مسیر در پی پاسخ به یک سوال است: «آیا این دو دیدگاه، جمع‌پذیرند؟»

اما این جمع‌پذیری را چطور باید تصویر کرد؟ هنرمندانه‌ترین بخش فیلمنامه جایی است که «ازدواج» امکان این جمع‌پذیری را محک می‌زند: ازدواج حامد بزدان‌پناه (نمایندهٔ قشر سنتی) و مارال عظیمی (نمایندهٔ قشر مدرن و روشن‌فکر). آیا انتخاب هر یک از این خطمشی‌ها، به طرفین این داستان، قدرت هم‌زیستی برگشت؛ این پیوند از سوتفاهم لبریز است؛ سوتفاهماتی برخاسته از عدم درک عقاید خویشتن. نه قشر سنتی افکار خود را شناخته و نه قشر مدرن چیزی از طرز فکر خود می‌داند: حامد پیرو خانوادهٔ خود است. با زهرچشم پدر با مارال به تندی برخورد می‌کند، با سفارش اوست که با مارال آشتی می‌کند، به خاطر اوست که تصمیم می‌گیرد از مارال فرزندی داشته باشد. پدر، تصمیم‌گیرندهٔ زندگی او می‌شود. از سویی مارال در مقابل خواهر و دوستانش، مقاومتی نمی‌کند، به توصیه‌های آنان گوش می‌سپارد و از خانه می‌گریزد تا به رویای خود برسد. رویایی که لازمه‌اش ترک زندگی مشترک است. مجموعاً می‌توان گفت که هیچ‌یک از شخصیت‌های اصلی، عقیده‌شان را از آن خود نکرده‌اند! درست به همین دلیل است که تکلیف کاراکترهای این داستان با زندگی مشترک‌شان مشخص نیست. مارال بارها از خانه می‌رود و دوباره باز می‌گردد، حامد بارها عصبانی شده، از رویای مارال بیرون می‌آید، اما باز به او برگشته، به آن‌سوی آب‌ها سفر می‌کند تا این پیوند نیم‌بند را نجات دهد. این سرنوشت محتوم انسان‌هایی‌ست که پیش از شناختن خود، درصددند دیگری را بشناسند و در جایی، ناتوان از هر دو شناخت، مستأصل از یافتن راهی برای بازگشت به زندگی پیشین خود، از انسان روبه‌روی خود آزرده شده، جدایی را به وصل ترجیح می‌دهند. در حقیقت، تفکر مترتب بر سنت و مدرنیته در اجتماعی که جیرانی تصویر کرده، آن‌چنان خام و عقیم است که بهبود هیچ وضعیتی از روزمرهٔ بشری را نتواند رقم زند. نقدهای بسیاری در وصف این اثر خوانده‌ام. برایم



مایهٔ تعجب بود که به بهانهٔ سفارشی بودن فیلمنامه و تقدیس قشر سنتی-مذهبی، نقدها منفی‌ست. با دیدگاهی جامعه‌شناسانه، نه فقط این نقدها را زیرسوال می‌برم، بلکه در مقابل می‌گویم: « برخلاف تمام ارزیابی‌ها، این سنت است که مشکلاتش بر مشکلات

**ظریف: شجاعت در صلح مهم‌تر از شجاعت در جنگ است**

اولین دورگفتگوهای بین‌الافغانی تهران با سخنرانی وزیر امور خارجه، روسای هیات‌های طرفین جمهوریت و طالبان و صدور یک اعلامیه ۶ ماده پایان یافت.

به گزارش ایسنا، محمد جواد ظریف در سخنرانی خود در نشست پایانی گفت‌وگوهای بین‌الافغانی تهران که در محل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزار امور خارجه برگزار شد با تشکر از هردو هیات که در این گفت‌وگوها صلح و راحتی و آسودگی مردم افغانستان را اولویت گفت‌وگوهای خود قرار دادند اظهار کرد: شجاعت در صلح مهم‌تر از شجاعت در جنگ است زیرا برای صلح باید ایثار و گذشت داشت و از خواسته‌های حداکثری چشم‌پوشید و به خواسته‌های طرف دیگر توجه کرد خصوصا در این گفت‌وگوها که طرف دیگری وجود ندارد و هردو طرف برادران هم و در جستجوی صلح و آرامش برای ملت افغانستان هستند .

ظریف تأکید کرد : جمهوری اسلامی ایران همیشه آماده است تا به هر صورت که مایل باشید ادامه گفت‌وگوهای شما را تسهیل کند.

دو هفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی/ سال هفتم/ شمارهٔ هفتاد و هشت/ نیمهٔ دوم تیر ۱۴۰۰

## نقش دبیران و دیوانیان در توسعهٔ فرهنگ ایران اسلامی

اسلامی درخشش گرفت و به «عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی»، مشهور شد.

اگرچه بسیاری از اهل قلم را می‌توان شهیدان راه قلم دانست و با شرافت در این راه جان دادند، اما جوهر قلم آن‌ها خشک نشد و راه آن‌ها ادامه پیدا کرد. در مجموع می‌توان ادعا کرد که «آن‌چه که شمشیر رستم و اسفندیار توانست برای ایران به ارمغان آورد؛ قلم دبیران و فرهنگیان ایرانی برای ایران به ارمغان آورد.»

بخت‌پشوع، خاندان جیهانی، خاندان بلعمی و امثال خواجه‌نظام‌الملک جست‌وجو کرد. آن‌ها با خودآگاهی فرهنگی توانستند خلفا و امرا را وادار کنند که مجوز ترجمهٔ بسیاری از کتاب‌های پهلوی را بگیرند. هم‌چنین با مشورت این فرهنگیان کتاب‌شناس، کسانی برای آوردن کتاب از دیگر تمدن‌های مجاور فرستاده شد. بسیاری از این دبیران حتی خانهٔ خود را به دارالترجمه تبدیل کرده بودند و با هزینهٔ شخصی به ترجمهٔ کتاب می‌پرداختند. این چنین بود که فرهنگ و تمدن ایران

این که گفته شده «دبیران چو پیوند جان مند/ همه پادشاه بر نهان مند»، سخنی است که در ایران پس از اسلام سرلوحهٔ برخی از امیران و سلاطین خردمند قرار گرفت. چنان که بیهقی، به‌عنوان یکی از این دبیران اندیشمند ایرانی که نقش زیادی در حفظ و انتقال فرهنگ ایرانی به دنیای پس از خود دارد؛ گزارش می‌دهد که نصر بن‌احمد پس از آنکه به ضعف شخصیتی خویش پی برد، دو ناظر برای اعمال و رفتار خود انتخاب کرد. این دو ناظر هردو از دبیران و دیوانیان بودند. همگان همدستانند که دبیران نقش کلیدی در امور تربیتی و توسعهٔ فرهنگی دارند. بنابراین، تصمیمات نیاکان ما که حاصل چندین هزار سال تجربهٔ تاریخی است، بی‌دلیل نبوده است.

در بسیاری از منابع تاریخی به خلفا و سلاطین فضل‌پرور توجه شده است، اما به این موضوع کم‌تر توجه شده است که چه کسانی باعث فضل‌پروری و توجه به علم و دانش این خلفا و سلاطین شده‌اند؟ تشویق و تأکید دین و مذهب بردانش‌اندوزی بر همگان آشکار است. به‌ویژه دین مبین اسلام که «سوگند به قلم»، به خودی خود بیان‌گر میزان ارزش و جایگاه قلم و صاحب قلم است. با این وجود، دبیران ایرانی که با علوم پیشینیان خود آشنا بودند و «در این خاک زرخیز» و «دانشی‌مرد پرور»، پرورش یافته بودند با پذیرش دین اسلام با شوق بیش‌تری کمر خدمت برای توسعهٔ فرهنگ و تمدن ایران اسلامی بستند. این دبیران و وزیران ایرانی بودند که با ترجمه و تألیف کتاب؛ پرورش شاگرد و تأسیس مراکز علمی توانستند فرهنگ پیشینیان را به عالم پس از خود انتقال دهند. این که چرا منصور هارون و مأمون عباسی به فضل‌پرور شهره هستند؟ و عصر امیرنصر سامانی، آلپ‌ارسلان و ملک‌شاه چنین در تاریخ درخشان است؛ را باید در تلاش‌های دبیران و وزیران و دیوانیانی مانند: ابن‌مقفع، ابویوب موربانی، خاندان برمک، خاندان سهل، خاندان نوبخت، خاندان



**نجم‌الدین گیلانی**

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی

پیوستگی فرهنگی ایرانیان، یکی از پراهمیت‌ترین مسائل فرهنگی است که باعث شگفتی خیلی از پژوهش‌گران و اندیشمندان شده است. عوامل زیادی در این پیوستگی مؤثر بوده‌اند که پرداختن به همهٔ آن‌ها در این مجال نگنجد. در این مختصر ما قصد پرداختن به نقش دبیران و اهل قلم در تدوام و انتقال تجارب فرهنگی ایرانیان را داریم. بسیاری از دبیران و دیوان‌سالاران ایرانی در طول تاریخ ایران، هر یک به شیوهٔ خاص خود در پاسداری از فرهنگ ایران و انتقال آن به دوره‌های بعد کوشا بودند. دلیل این موضوع نیز آشکار است. ایرانیان سابقهٔ چندین هزار سالهٔ تمدن و کتابت داشتند. از جایگاه دبیران ایلامی، آرامی، پارسی و پارتی در دوره‌های پیشاساسانی که بگذریم؛ با استناد به شاهنامهٔ فردوسی می‌توان از میزان جایگاه و قرب و عزت دبیران در عهد ساسانی پی برد. دبیران و اهل قلم در درگاه اردشیر بابکان از چنان جایگاهی برخوردار بودند که اگر کسی خط و دبیری کم‌تر می‌دانست در دیوان شاه از جایگاه چندانی برخوردار نبود:

کسی را که کمتر بدی خط و ویر

ترفتی به دیوان شاه اردشیر	
سوی کارداران شدندی به کار	
قلم‌زن بماندی بر شهریار	
شناسنده بد شهریار اردشیر	
چو دیدی به درگاه مرد دبیر	
نویسنده گفتی که گنج آگنبد	
هم از رای او رنج ببر آگنبد	
بدو باشد آباد شهر و سپاه	
همان زبردستان فریادخواه	
دبیران چو پیوند جان مند	
همه پادشا بر نهان مند	

## روشنگری و رنج فهمیدن

به راحتی به روشنگری برسند مگر به کندی.

انقلاب نیز ابزار خوبی برای اصلاح شیوهٔ اندیشه نیست چراکه به‌جای پیش‌داوری‌های کهنه، رشته‌ای از پیش‌داوری‌های تازه در گردن توده‌های اندیشهٔ باخته می‌افکند. آزادی آن‌هم از نوع آزادی آشکار برای به‌کارگیری

از جایی که در آن زندانی‌اند پا فراتر نمی‌گذارند و برای‌شان دشوار است که بعد از سالیانی که به چنین زندگی نباتی عادت کردند از حالت کودکی‌به‌درآیند. چون به این حالت دلبستگی دارند و از به‌کار بستن فهم خود ناتواناند چرا که هیچ موقع مجال این کار به آنان داده نشده است.



خرد خویش در تمام زمینه‌ها نیست.

کانت می‌گوید: هرکسی باید همیشه در استفاده از خرد و اندیشه خود به گونه‌ای عمومی آزاد باشد و تنها استفاده از این شیوه می‌تواند روشنگری را میان انسان‌ها پیش ببرد. یعنی استفاده‌ای که هرکس در مقام دانشمند در برابر تودهٔ کتاب‌خوان از خرد خود می‌کند. به‌کارگیری خصوصی خرد یعنی استفاده‌ای که هرکس حق دارد در سمت مدنی یا اداری که به او واگذار شده از خرد خود انجام دهد.

تنها تعداد اندکی خود را از زنجیر تسلیم در مقابل اندیشیدن می‌رهانند اما این ممکن است که عمدهٔ ذهن خود را روشن کنند و از آزادی برخوردار باشند در اینجا روشنگری کمابیش ناگزیر می‌شود. چراکه این آزاداندیشان هنگامی که خود را از یوغ کودکی رها کردند در اطراف‌شان روحی می‌پرآکنند که گرایش ذاتی هر انسان به آزاداندیشی را ممکن می‌سازد. پیش‌داوری یکی از آسیب‌های جدی بر آزاداندیشی است به همین دلیل است که عامه نمی‌توانند



**صبیا مقیسه**

دانش‌آموختهٔ کارشناسی علوم سیاسی

اگر انسانی جسارت و شجاعت فهمیدن را نداشته باشد دیگران به جای او فکر می‌کنند و بر او مسلط می‌شوند. اینجاست که فرد به ظاهر بالغ هیچ تفاوتی با کودکی بزدل و ترسو ندارد.

فهمیدن رنج و مسئولیت توامان دارد! به همین خاطر است که مردمان بسیاری در همهٔ دوران‌ها تن به اسارت فکر و اندیشه خود می‌دهند.

در پی نوشته بدون امضایی که در ماهنامهٔ برلین منتشر شد و پیشنهادی مبنی بر ملغی‌کردن ازدواج مذهبی ارائه می‌داد، روحانی پروتستان، یوهان فریدریش تسولنر، که از طرفداران نظریهٔ روشنگری بود در مقابل تندروی‌هایی که به نام روشنگری صورت گرفته بود مطلبی نوشت تحت این‌عنوان که «روشنگری چیست؟». وی این امر را به اندازهٔ این پرسش که حقیقت چیست پراهمیت قلمداد می‌کرد. کانت نیز در پی منتشرشدن این متن نوشته‌ای در پاسخ به این سوال که روشنگری چیست؟ نوشت که خلاصه‌ای از نکات این مقاله در ذیل عنوان شده است.

خوداندیشیدن مفهومی است که کانت در نوشته‌هایش همواره بر آن تأکید دارد و یکی از مهم‌ترین وظایف انسان بالغ، آگاه و مسئولیت‌پذیر را به‌کارگیری قوه فاهمه می‌داند. در جایی می‌نویسد روشنگری یعنی گذرکردن انسان از دوران کودکی؛ کودکی به این معنا که فرد در این دوره از به‌کارگیری فهم خود بدون راهنمایی دیگران ناتوان است و اگر علت این کودکی نه فقدان فهم، که نبود عزم و شجاعت در به‌کارگیری فهم خود بدون راهنمایی، دیگران باشد، گناه آن به گردن خود انسان است.

شعار روشنگری این است: جسارت آن را داشته باش که فهم خود را به‌کارگیری.

کودک بودن آسان است و چه بسیار انسان‌هایی که طبیعت آن‌ها را به لحاظ فیزیکی بالغ ساخته اما به خواست خود تا دم‌مرگ کودک می‌ماند. به این معنا که مسئولیت اندیشیدن خود را باری بردوش دیگران می‌نهند که این علتی جز گاهلی و تبلی ندارد. به راستی فکرکردن سخت‌ترین کار دنیاست و همین ویژگی انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند.

انسان‌هایی که زحمت اندیشیدن، فهم و درک رنج و حقیقت را نمی‌برند به موجودات رامی تبدیل می‌شوند که گاهی

روشنگری با انعقاد یک قرارداد که انسان‌ها را به سوی روشنگری رهنمون کند به نتیجه نمی‌رسد حتی اگر از سوی بزرترین قدرت سیاسی، نهادهای قانون‌گذاری یا در رسمی‌ترین پیمان‌های صلح باشد. کانت این کار را جنابیتی برضطبیعت انسان می‌داند. سنجه هرچه که بتواند برای مردم قانون شود این است که آیا این مردم خود می‌توانند چنین قانونی برای خود وضع کنند؟

هم‌چنین توافق بر سر یک اساسنامهٔ دینی پایدار توافق بر سر نابود کردن دورانی از پیشرفت بشریت به سوی بهبود و زیان‌مند کردن آن برای آیندگان است. فرد می‌تواند برای خود آن هم فقط مدت کوتاهی روشنگری را به عقب بی‌اندازد اما این که به تمامی از آن چشم‌پوشیم حتی اگر برای خودمان باشد تجاوز در حق بشریت و پایمال کردن آنهاست. کارشهریار این است که نگذارد تا کسی با زور جلوی تلاش فردی دیگر را که در راه رستگاری می‌کوشد، بگیرد.

فرمان‌روایی که در عدم دخالت و فرمان به مردم در امور دینی را وظیفه خود نمی‌داند و آنان را از هر جهت آزاد می‌گذارد به روشنگری رسیده است و برای آیندگان به مانند نخستین کسی‌است که نوع بشر را از کودکی رهانَد و هرکسی را آزاد نهاده تا در تمامی امور وجدانی از خرد خویش سود ببرند. در این صورت در یک نظام آزادی، نظم و عمومی و یگانگی ملت با کم‌ترین خطر روبه‌رو است و شهروندان به تدریج از درشت‌خویی فاصله می‌گیرند.

کانت بررنگ‌ترین وجه روشنگری؛ یعنی به درآمدن انسان از کودکی خود را در امور دینی می‌بیند چرا که در زمینه‌های علوم و هنر حاکمان هیچ نفعی ندارند که نقش قیم فرودستان‌شان را بازی کنند.

در اندیشهٔ حکومت به‌کارگیری خرد به صورت عمومی در شیوهٔ بهتر نگارش و اجرای قانون نمایان می‌شود. اما فقط حاکمی جرات گفتن این سخن که: هرچه می‌خواهید بکنید و دربارهٔ هرچه می‌خواهید خرد ورزید؛ اما فرمان‌بردار باشید، را دارد که به روشنگری رسیده و در عین حال حفظ نظم عمومی، ارتشی گوش به فرمان دارد. بنابراین برای گسترش روشنگری و سوق دادن انسان‌ها به این سو نیاز به درجهٔ بیش‌تری از آزادی‌های مدنی وجود دارد. چراکه به تدریج این امر (آزاد اندیشی) بر ذهنیت مردم اثر می‌گذارد و قابلیت مردم را برای عمل آزادانه افزایش می‌دهد .

## بلمبرگ: برجام همچنان قدرتمند است

یک مقام مطلع به بلومبرگ گفت که آمریکا با بازگشت به توافق هسته‌ای حداقل در حال حاضر می‌تواند از منافع نظام عدم اشاعه هسته‌ای بهره ببرد.

به گزارش ایسنا، خبرگزاری بلومبرگ در گزارشی با اشاره به لزوم احیای برجام نوشت که توافق هسته‌ای با وجود داشتن نواقص همچنان قدرتمند است.

یک منبع نزدیک به هیات آمریکایی در مذاکرات وین در این زمینه به بلومبرگ گفت که بازگشت به توافق هسته‌ای حداقل برای حال حاضر منافع عدم اشاعه‌ای هسته‌ای در بر دارد.

سوزان دیمگیو، یک مقام ارشد موسسه «موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی» نیز ضمن اشاره به اینکه برجام جاگزینی ندارد، گفت: مهم است که به برجام نه تنها به عنوان توافقی برای عدم اشاعه هسته‌ای بلکه به عنوان سازوکاری برای تنش‌زدایی بنگریم.

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شماره هفتاد و هشت / نیمه دوم تیر ۱۴۰۰



## عکاسی با موبایل؛ سخت اما ممکن

علی اکبری

کارشناسی روان‌شناسی ۹۷



می‌دهد تا بعداً عکس‌هایتان را بررسی کنید و عکسی که از بهترین زاویه گرفته شده است را انتخاب کنید.

### از پس‌زمینه‌های شلوغ دوری کنید

اگر پس‌زمینه عکس شما شلوغ باشد توجه بیننده به آن جلب می‌شود و سوژه شما در حاشیه قرار می‌گیرد. اگر در پس‌زمینه عکس شما رنگ‌های متضاد و گیج‌کننده زیادی وجود دارد، توصیه ما تبدیل آن عکس به یک عکس سیاه و سفید است. شما می‌توانید با حذف کردن تمامی رنگ‌های پس‌زمینه مانع حواس‌پرتی مخاطب و به حاشیه رفتن سوژه عکاسی شوید. یک روش دیگر برای خلاصی از پس‌زمینه‌های شلوغ قرار دادن آسمان به عنوان پس‌زمینه است. برای این کار لازم است از ارتفاع زاویه دید خود کاسته و از آسمان به عنوان پس‌زمینه استفاده کنید.

### راه جلوگیری از خراب شدن عکس در موبایل‌گرافی چیست؟

هرگز با گرفتن یک عکس از سوژه مورد نظر خود انتظار نداشته باشید به بهترین نتیجه برسید. شانس گرفتن یک عکس خوب در همان اولین برداشت پایین است. توصیه ما این است که در کنار زوایای مختلف، از فواصل مختلف نیز عکس بگیرید. برای رسیدن به عکس مورد نظرتان می‌بایست از یک سوژه چند عکس بگیرید و سپس عکس‌هایی که گرفته‌اید را بررسی نمایید. هر زمان زاویه مناسبی پیدا کردید در همان وضعیت چند عکس بگیرید. هیچ وقت از گرفتن عکس بد نترسید زیرا عکس‌های بدتان را به آسانی خوردن آب می‌توانید پاک کنید.

اگر نخواهیم به حاشیه برویم و سرشما را به درد بیاوریم باید به طور خلاصه بگوییم که موبایل‌گرافی یعنی عکاسی با موبایل. همان‌طور که احتمالاً می‌دانید فتوگرافی یا همان عکاسی از دو واژه «فتو» به معنی نور و «گرافی» به معنی نگارش که ریشه‌ای یونانی دارند، تشکیل شده است. در نتیجه فتوگرافی به معنی نگارش نور یا نقش کردن نور است. بر همین مبنا عکاسی با موبایل نیز در میان مردم به موبایل‌گرافی معروف شده است.

در سال‌های اخیر که گوشی موبایل در میان مردم به شکل گسترده‌ای نفوذ پیدا کرده، جای دوربین‌های عکاسی را گرفته و تبدیل به اصلی‌ترین وسیله برای ثبت خاطرات شده است. از همین روی موبایل‌گرافی تبدیل به هنری فراگیر شده و علاقه‌مندان زیادی دارد. با این حال این رشته هنری جدید همانند دیگر رشته‌های هنری نکات و مولفه‌هایی دارد که با رعایت آن‌ها می‌توان در آن موفق بود. در ادامه شماری از این نکات را بررسی می‌کنیم.

### از زوایای مختلف عکس بگیرید

در موبایل‌گرافی بهتر است زوایای مختلف را مدنظر قرار دهید. بیش‌تر عکاس‌های تازه‌کار در حالت ایستاده عکاسی می‌کنند، اما یکی از خوبی‌های موبایل در این است که به علت ابعاد و وزن کم آن شما قادر هستید آن را در زوایا و حالت‌هایی استفاده کنید که دوربین‌های بزرگ‌تر چندان مناسب نیستند. ضمناً عکاسی از یک سوژه از زوایای مختلف به شما این امکان را

